



کربن صفر ۲۰۵۰ چگونه
معدنی های ایران را
جذاب می کند؟



صفحه ۱۰

شب سهامداران روز می شود؟

صفحه ۲

به پیمان ها دلخوش نباشید؛ چهره بانک ها خدشه دار است

تونل وحشت FATF

صفحه ۸

پس اندازهها کجاست؟

صفحه ۶

۴ محور اصلی بی میلی سرمایه گذاری در ایران در
گفتگو با دبیر کل خانه صنعت معدن و تجارت ایران
نزدیک به محدوده دافعه سرمایه!

صفحه ۴

عضو خبرگان کشاورزی استان تهران مطرح کرد؛
سرمایه گذاری یا روزمرگی وزرای
جهادکشاورزی!

صفحه ۳

نجات بورس تهران با شرکت های
موفق خصوصی

صفحه ۱۱

نمایشگاه قفل شدگان!

۸ قفل بزرگ در مسیر سرمایه گذاری، بانک، بورس و بیمه؛ درها فقط برای رانت خواران و دلالان باز است



صفحه ۶

بیمه حافظ
Hafez
Insurance



بیمه حافظ شما را به بازدید از

یازدهمین نمایشگاه بین المللی بورس، بانک، بیمه و خصوصی سازی
شانزدهمین نمایشگاه معرفی فرصت های سرمایه گذاری کشور
دعوت می نماید .



kish2024
Invex

۱۴ لغایت ۱۷ آبان ۱۴۰۳

مرکز نمایشگاه های بین المللی جزیره کیش



تهران، خیابان خالد اسلامبولی (وزرا)، خیابان بیست و نهم، پلاک ۲۶

www.hafezinsurance.ir

تلفن: ۰۲۱-۴۵۶۵۳



نمایشگاه کیش اینوکس ۲۰۲۴ زیر سایه سنگین بی اعتمادی سهامداران

شب سهامداران روز می شود؟

محمد علی غلامرضایی

یکی از بازارهای مهم و تاثیرگذار در فرایندهای اقتصادی که در ایران مغفول و مغضوب مانده، بازار سرمایه است و اهالی این بازار از بی توجهی دولت‌ها به شدت ناراضی هستند چرا که سمت و سوی سیاست‌گذاری‌های دولت به گونه‌ای است که نام و نشانی از بازار سرمایه در آن دیده نمی‌شود و حتی گاهی سیاست‌ها لگد به جسم نیمه جان بازار سهام می‌زند.

بدون شک بورس تهران بدترین دوران خود را سپری می‌کند و آمار معاملات و نوسانات قیمت سهام حکایتی تلخ را روایت می‌کند و اندک سهامداران و سرمایه‌گذاران باقی‌مانده در این بازار هر روز شاهد آب رفتن سرمایه خود هستند؛ این در حالی است که شاخص‌ها و قیمت‌ها در سایر بازارهای کشور با شتاب فراوانی طی این سال‌ها افزایش یافته است.

در چنین شرایطی، قرار است شانزدهمین نمایشگاه معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری و یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی بورس، بانک، بیمه و خصوص سازی (Kish INVEX ۲۰۲۴) از ۱۴ لغایت ۱۷ آبان ماه در مرکز همایش‌های بین‌المللی جزیره کیش برگزار شود.

نمایشگاه کیش اینوکس فرصت مناسبی برای معرفی ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های تامین مالی و سرمایه‌گذاری بازار سرمایه، ایجاد فرصت‌های جدید همکاری با شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران، تقویت ارتباطات با ناشران و نهادهای مالی است. این گونه رویدادها می‌تواند موجب تعامل بین اضلاع مهم اقتصاد کشور، بازار سرمایه، بازار پول و شرکت‌های

بیمه شود. فارغ از مزیت‌های برگزاری نمایشگاه‌ها، آن چه بیش از همه برای بازار سرمایه لازم و ضروری و فوریست دارد، اتخاذ تصمیم بزرگ و اساسی در جهت حمایت از آن دارد. شرایط تصمیم‌گیری در این کمتر کسی میل و رغبت به سرمایه‌گذاری در این بازار را دارد و سرمایه‌ها به جای آن که از طریق بازار سرمایه به فرایند تولید تزریق شود و برای اقتصاد کشور و معیشت مردم عایدی به همراه داشته باشد، وارد بازارهای ارز و طلا و مسکن شده که عایدی جز تورم و فشاری اقتصادی به همراه ندارد.

حجم بسیار پایین معاملات سهام به خوبی بیانگر ارزش پایین بازار در چشم دولت‌مدان، تصمیم‌گیرندگان و صاحبان سرمایه دارد و تا زمانی که رونق به بورس و روال معاملات سهام به حالت عادی باز نگردد، برگزاری این چنین نمایشگاه‌ها منفعت چندانی نخواهد داشت و خروجی، آن چیزی که باید باشد، نخواهد بود.

نگاهی به سیاست‌های اتخاذ شده دولت‌مدان در چند سال اخیر نشان از آن دارد که توجهی بسیار اندک معطوف به بازار سهام است و از اولویت‌های دولت خارج شده و همین امر ریسک‌های زیادی را بر بازار سرمایه تحمیل کرد و موجب فرار سرمایه‌ها شد. رفع موانع رشد بورس می‌بایست در چارچوب قانون بودجه ۱۴۰۴ دیده شود و اگر مسئولان به دنبال توسعه بازار سرمایه کشور هستند باید در بودجه مسائل کلان اقتصادی به گونه‌ای دیده شود که منجر به ورود سرمایه‌ها و پول‌های سرگردان به جریان معاملات این بازار شود.

کالاها را تورم را نظیر مسکن و خودرو افزایش می‌دهد. این وضعیت به خروج سرمایه از بازار سهام و هدایت آن به سمت دارایی‌های سفته بازانه و غیرمولد منجر می‌شود. در نتیجه نه تنها جریان نقدینگی از بورس کاهش می‌یابد بلکه رفتار سوداگرانه نیز تشدید شده و بازگشت سرمایه به بازار سرمایه دشوارتر می‌شود. در این سال‌ها اعتماد مردم به بازار سرمایه از بین رفته و جلب مجدد این اعتماد که دارایی گران‌بهایی برای دولت‌ها محسوب می‌شود، کار آسانی نیست. لازمی موفقیت در این امر و اعاده اعتماد مردم به بازار سرمایه، گسترش رقابت و شفافیت است و این امر محقق نمی‌شود مگر به دست تصمیم‌سازان. به طور کلی مجموع عوامل نشان می‌دهد بازار سهام همچنان با عدم قطعیت‌های جدی روبرو است و تا زمانی که این ابهامات برطرف نشود و میل واقعی برای حمایت از بازار در میان اهالی دولت به وجود نیاید، خبری از بهبود حال بازار نخواهد بود. با همه این اوصاف و با وجود چالش‌های اقتصادی و نااطمینانی‌های حاکم بر بازارها، با تغییر دولت و ورود تفکرات جدید به فضای سیاسی و اقتصادی کشور، بیشتر تحلیلگران معتقدند فرصت‌های مناسبی کسب سود از بازار سرمایه وجود دارد و این بازار به حدی مستعد رشد و تشنه صعود است که با اندک توجه و حمایت، گردونه اقبال به سمت بازار سهام می‌چرخد.

کنترل‌های دولتی بر قیمت‌ها و قیمت‌گذاری دستوری از جمله مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر روند بازار است و می‌تواند نقشی کلیدی در شکل‌دهی تحولات آتی بورس داشته باشد. قیمت‌گذاری دستوری به صورت مستقیم بر سودآوری شرکت‌ها و صنایع مختلف اثر می‌گذارد و حاشیه سود شرکت‌ها را کاهش می‌دهد و در نتیجه عملکرد مالی آن‌ها را تضعیف می‌کند. کاهش سودآوری شرکت‌ها در نهایت به افت ارزش سهام منجر می‌شود و بر شاخص بورس اثر منفی می‌گذارد.

نظام قیمت‌گذاری دستوری نه تنها مانع کارایی بازار و تعدیل طبیعی قیمت‌ها می‌شود بلکه زمینه ساز رانت و فرصت‌های ناعادلانه برای دلال‌ها و واسطه‌ها است. علاوه بر این، کمبود انگیزه برای سرمایه‌گذاری و توسعه تولید، باعث عقب ماندگی در نوآوری و پیشرفت‌های فناورانه می‌شود که نتیجه آن عدم پیشرفت و رقابت‌پذیری شرکت‌های داخلی در برابر رقبای بین‌المللی است. در کنار آن، شکاف میان نرخ دلار نیمایی و آزاد اثر قابل‌توجهی بر صنایع صادرات محور دارد و در نهایت این چرخه معیوب، اقتصاد را به سمت مشکلات بیشتری همچون رکود و ناپایداری هدایت می‌کند. گسترش این شکاف به کاهش شاخص بورس می‌انجامد که تمایل سرمایه‌گذاران را به سمت بازار

اکنون به واسطه بی توجهی دولت‌ها به این بازار و بازپچه قرار دادن آن برای کنترل نقدینگی سبب شده برخی از مشکلات حاکم بر بازار به حدی بزرگ شود که منافع بخش‌های مختلف سیاست‌گذاری را درگیر کرده است. بنابراین، با رعایت برخی ملاحظات مربوط به این بازار در سیاست‌گذاری‌ها و بودجه، می‌توان یک گام در مسیر بهبود اوضاع بازار سهام برداشت.

نرخ بالای سود بانکی یکی از بزرگترین تهدیدکنندگان بازار سرمایه و سرمایه‌گذاری در کشور است و حتی می‌تواند مسیر تولید را نیز به مخاطره بیندازد. کاهش تعرفه‌های گمرکی، بازگشایی درهای صادراتی به روی شرکت‌ها و کاهش تعرفه صادرات، حذف قیمت‌گذاری دستوری در صنایع، نزدیک کردن نرخ ارز نیمایی به نرخ بازار و کاهش حقوق دولتی در شرکت‌های معدنی و صنعتی می‌تواند در وهله اول چراغ راهی برای شروع مسیر صعود بازار باشد و به‌عنوان مهم‌ترین متغیرهای اثرگذار بر بازار شناخته می‌شوند.

در وضعیت کنونی، تصمیمات کلان اقتصادی اولویت اول بورسی‌ها است و عواملی همچون متغیرهای کلان اقتصادی و سیاست‌های بانک مرکزی محرک‌های اصلی بازار هستند. این موضوع نشان دهنده اثر مستقیم متغیرهای کلان بر رفتار فعالان بازار سرمایه است.

اشتغال‌زایی فراتر از انتظار در منطقه ویژه اقتصادی خلیج فارس



مدیرعامل منطقه ویژه اقتصادی صنایع معدنی و فلزی خلیج فارس از اشتغال‌زایی هزار و ۱۶۱ نفری در هفت ماه نخست امسال خبر داد. این اشتغال‌زایی که با محوریت استفاده حداکثری از ظرفیت نیروهای بومی صورت پذیرفته، بیشتر از اشتغال‌زایی نهایی این شرکت بوده است.

به گزارش روابط عمومی منطقه ویژه اقتصادی صنایع معدنی و فلزی خلیج فارس، محمدرضا پیرحسینلو، مدیرعامل این منطقه، افزایش تولید و اشتغال‌زایی را از مهم‌ترین دستاوردهای مدیران در بزرگ‌ترین منطقه ویژه اقتصادی کشور خواند و گفت: در سال ۱۴۰۲ توانستیم ۱۵۳۳ نفر اشتغال‌زایی داشته باشیم که ۳۳ نفر بیشتر از شاخص تعهدی سالانه اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی برای منطقه ویژه اقتصادی صنایع معدنی و فلزی خلیج فارس بود و امسال نیز برگ زرین دیگری بر دفتر افتخارات ما افزوده شد.

وی تعداد افراد شاغل در منطقه ویژه اقتصادی صنایع معدنی و فلزی خلیج فارس را ۱۴ هزار و ۷۹۶ نفر عنوان کرد و افزود: در هفت ماهه نخست امسال هزار و ۱۶۱ فرصت شغلی جدید را پدید آوردیم که این تعداد ۶۱ نفر بیشتر از اشتغال‌زایی تکلیفی ما بود.

مدیرعامل منطقه ویژه اقتصادی صنایع معدنی و فلزی خلیج فارس ادامه داد: موضوع استفاده حداکثری از ظرفیت‌های انسانی بومی را نیز باز دیگر مدنظر قرار دادیم و بر اساس آمار قریب به

۶۰ درصد نیروهای جذب‌شده جدید، بومی استان هرمزگان هستند. وی درباره نحوه استخدام این نیروها نیز گفت: اکثر این نیروها از طریق سایت مدیریت کار و خدمات اشتغال مجموعه و در شرکت‌های مستقر به‌کارگیری شدند. از این افراد ۵۱ درصد دارای مدرک تحصیلی فوق‌دیپلم به بالا و ۴۹ درصد هم دیپلم یا زیر دیپلم هستند.

پیرحسینلو، بیشترین اشتغال‌زایی صورت پذیرفته در شرکت‌های مستقر را به ترتیب متعلق به شرکت‌های فولاد کاهو، صبا فولاد، ستاره سیمین، آلومینیوم هرمزگان و فولاد هرمزگان برشمرد و افزود: در این مدت، منطقه ویژه اقتصادی صنایع معدنی و فلزی خلیج فارس نیز به‌عنوان شرکت مدیریت و تأمین‌کننده زیرساخت ۱۴۷ نیروی جدید را در قالب‌های مختلف به‌کارگیری کرده است.

وی در پایان ضمن بیان این که در ماه‌های اخیر، خوشبختانه شاهد سرعت گرفتن هر چه بیشتر فرایند کار و تلاش در منطقه ویژه اقتصادی صنایع معدنی و فلزی خلیج فارس بوده‌ایم، اظهار کرد: از تمام ظرفیت‌ها در راستای افزایش شاخص‌های تولید و اشتغال استفاده خواهیم کرد و امیدواریم بتوانیم به سهم خود در راستای استعلا نام بزرگ ایران گام برداریم.

شایان ذکر است منطقه ویژه اقتصادی صنایع معدنی و فلزی خلیج فارس در ۱۳ بزرگراه شهید رجایی در غرب شهر بندرعباس واقع شده است. این منطقه ویژه با وسعت تقریبی ۵۰۰۰ هکتار در ۴ سایت جنوبی، میانی، شمالی و توسعه به لحاظ جغرافیایی تقسیم شده که ۲۵۰۰ هکتار آن عملیاتی و شرکت‌های سرمایه‌گذار در حال اجرا یا بهره‌برداری طرح‌های مورد نظر هستند و ۲۵۰۰ هکتار دیگر در حال آماده‌سازی زیرساخت‌ها است. منطقه از شمال به کوه‌های پولادی پالایشگاه‌های هشتم، ستاره خلیج فارس و هرمز و از جنوب به اسکله‌های تخلیه و بارگیری مواد معدنی و مواد نفتی، آب‌های آزاد و خلیج فارس، از غرب به بندر شهید رجایی و از شرق به نیروگاه ۱۲۰۰ مگاواتی

توانیر و شهر بندرعباس محدود شده که شرایط متمایزی را پدید آورده است.

همچنین از مزایای توسعه این منطقه ویژه برای کشور به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

- رهایی از اقتصاد تک محصولی
- توسعه صنایع جانبی و پایین دستی برای تأمین مصارف داخلی
- توسعه صادرات
- جذب سرمایه خارجی
- بومی شدن تکنولوژی تولید در کشور

انواع روش‌های سرمایه‌گذاری قابل امکان در منطقه ویژه عبارتند از:

- * سرمایه‌گذاری به روش مستقیم خارجی یا مشترک ایرانی خارجی
- * سرمایه‌گذاری به روش مستقیم داخلی
- * سرمایه‌گذاری به روش B.O.O (ساخت، مالکیت، اجرا)
- * سرمایه‌گذاری به روش BUYBACK (بیع متقابل)
- * سرمایه‌گذاری به روش تامین مالی پروژه‌های توسط بانک‌های عامل
- * سرمایه‌گذاری به روش B.O.T (ساخت، بهره‌برداری، مالکیت)
- * تسهیلات منطقه برای ایجاد سرمایه‌گذاری
- * واگذاری زمین به سرمایه‌گذاران به روش اجاره دوران ساخت / اجاره دوران بهره‌برداری و یا مشارکت
- * تامین زیرساخت‌های آب، برق، گاز و مخابرات
- * استفاده از معافیت‌های گمرکی برای واردات تجهیزات
- * جذب شریک داخلی برای سرمایه‌گذاری خارجی
- * حمایت برای اخذ وام از طریق منابع داخلی و خارجی
- * مشاوره در تمامی مراحل اجرای پروژه‌ها
- * انجام عملیات اخذ مجوزهای تاسیس، فعالیت، بهره‌برداری و صدور مجوز اشتغال برای کارکنان خارجی سرمایه‌گذاران

مکانی امن برای صاحبان سرمایه و توسعه صنعت کشور

<p>۲۲ شرکت به بهره‌برداری رسیده</p> <p>حجم سرمایه‌گذاری: ۴۷۰۰ میلیون دلار</p> <p>میان اشتغال‌زایی: ۲۷۵۷ نفر</p>	<p>۵۶ شرکت در حال نصب و راه‌اندازی</p> <p>حجم سرمایه‌گذاری: ۶۵۰۰ میلیون دلار</p> <p>میان اشتغال‌زایی: ۱۷۴۹۶ نفر</p>	<p>سرمایه‌گذار خارجی</p> <p>حجم سرمایه‌گذاری: ۵۲ میلیون دلار</p> <p>میان اشتغال‌زایی: ۱۵۰ نفر</p>
---	---	---



منطقه ویژه اقتصادی صنایع معدنی و فلزی

خلیج فارس

وسیع‌ترین منطقه ویژه اقتصادی ایران



با داخلی بفروشند. در واقع این یک شبکه است که همه امکانات لازم آن را داریم انبار، میزان کافی تحویل کرده و دانش آموخته و فضای اینترنتی مناسب را داریم و فقط باید یک وزیری بخواهد این کار را انجام دهد و ما بتوانیم چرخه کنترل بازار محصولات کشاورزی را به دست بیاوریم. همچنین یک سرمایه گذاری می تواند اقدام کند و این کار را انجام دهد لذا خیلی از شرکت های زنجیره ای بزرگ در دنیا وجود دارند و اینها می توانند در بورس ارائه دهند و در صورتی که در داخل خواهان نداشته باشد سریع صادر می کنند و دلار وارد کشور می شود. اما مساله اینجا است که وزرای کشاورزی ما نه تنها دنبال نخبگان بخش نیستند بلکه آنها را طرد هم می کنند. به نظر بنده اگر وزارت جهاد کشاورزی نبود شاید وضع مملکت بهتر بود چون بخش خصوصی می آمد این کارها را برای منافع اش انجام می داد.

***در کشورهای مختلف نمونه ای دارید که در حوزه کشاورزی سرمایه گذاری کلان داخلی یا خارجی کرده باشند و نتایج خاص و درخشان گرفته باشند؟**

کشور عربستان الان تولید کننده گندم است و دیگر گندم وارد نمی کند! این در حالی است که پیش از این وارد کننده بود و الان نه تنها خودکفا شده بلکه صادرات گندم هم دارد. جالب است بدانید این اتفاق را با کمک سرمایه گذاری خارجی و داخلی توانستند رقم بزنند.

البته باید توجه داشت که آنها با استفاده از آبهای زرف توانستند این کار را انجام دهند که در طولانی مدت موثر نیست. اما ما آبهایی داریم در کشور حدوداً ۶۰ میلیارد مترمکعب از رودخانه های ما به دریاها می رود و اگر ما این کار را در کشور انجام دهیم مقطعی نیست و در واقع یک کار پایدار خواهد بود. اما باز هم تاکید می کنم که وزیر جهاد کشاورزی با سایر وزرا فرق دارد چون وزارت جهاد هیچ تولیدی ندارد و نهایت حدود ۳۰۲ درصد تولید است که در شرکت هایی مثل دشت مغان رقم می خورد و به این ترتیب تا ۹۸ درصد تولیدی که در کشاورزی رقم می خورد توسط مردم و بخش خصوصی انجام می شود. با این وجود وزیر جهاد کشاورزی اصولاً نظرخواهی از بخش خصوصی ندارد و گاهاً با دخالت های بیجا بازار بخش خصوصی را نیز به هم می ریزد و این تبدیل به یک رویه شده است.



عضو خبرگان کشاورزی استان تهران مطرح کرد؛
**سرمایه گذاری یا روزمرگی
وزرای جهاد کشاورزی!**

خریدارش کشور خود ما است. یعنی بجای اینکه سالانه ۶ تا ۱۰ میلیارد دلار به کشاورزان برزلی، هند و یا آرژانتین بدهیم می توان با ایجاد زیرساخت و سرمایه گذاری در بخش کشاورزی، این چرخه اقتصادی را در کشور ایجاد کنیم. اما این مستلزم این است که وزیر کشاورزی نیت تغییر در الگوی مدیریت بخش کشاورزی کشور را داشته باشد. متأسفانه تمام وزرای کشاورزی در دهه های گذشته درهای اتاق را به روی نخبگان کشاورزی بسته اند و فقط به فکر روزمرگی هستند و هیچ برنامه ای برای به وجود آوردن یک تغییر در سیاست های کلان کشاورزی ندارند.

به عنوان مثال از زمان گذشته حدود ۱۸۰۰ سوله و انبار به عنوان تعاون روستایی در سطح کشور داریم که غالباً برای کود و بذر استفاده می شد، که این خود یک زیرساخت محسوب می شود. الان که کود و بذر آزاد شده است این انبارها متروکه شده است، اگر وزارت جهاد کشاورزی بخواهد تحصیل کرده های کشاورزی را با شبکه های اینترنتی در این فضاها و مکانهای انبار مستقر کند و سرمایه گذاری داشته باشند (که می توانند بانک ها یا سرمایه گذاری خارجی باشند)، و نسبت به خرید عادلانه محصولات کشاورزی اقدام کنند با کمک سازمان بورس می توانیم این اقدام خریداری شده را در بورس اعلام کنیم و این بورس به قیمت عادلانه به مصرف کننده خارجی و

کشاورزی ایران با داشتن چهار فصل همزمان، قابلیت بالایی دارد. به طوری که الان در اربیل بارش برف داریم در جنوب کشور می توان شنا کرد و در تمام این مناطق باغات و مزارع و فعالیت های کشاورزی از صنایع دستی گرفته تا واحدهای پرورشی در فصول مختلف در یک زمان فعال هستند. حال اگر سرمایه گذار بیاید و یک گردشگری کشاورزی راه بیندازد و این تعدد اقلیم را در این کشور برای گردشگران به نمایش بگذارد که بسیار هم جذاب است قطعاً یک قابلیت فوق العاده است اما ظاهراً تا به امروز به ذهن کسی این ایده خطور نکرده است.

البته از سوی سازمان همبستگی کشاورزان ایران درخواست کردیم که چنین مجوزهایی صادر شود برای گردشگران خارجی و گردشگری کشاورزی که بتوانند باغات و مزارع را در بهترین فصل ببینند، بتوانند از صنعت کشاورزی، گلخانه ها و فعالیت های کشاورزی بازدید کنند آن هم در شرایطی که این امر علاقه مندان زیادی در کشورهای حاشیه خلیج فارس دارد اما تا به امروز هیچ سرمایه گذاری روی این مساله سرمایه گذاری نکرده است.

***در حال حاضر کدام بخش کشاورزی ایران بیشترین پتانسیل را برای سرمایه گذاری دارد؟**

همانطور که می دانید سالانه بین ۶ تا ۱۰ میلیارد دلار هزینه واردات علوفه دامی می کنیم، اگر کسی بیاید زیرساختی با روش های نامبرده در قسمت جنوبی کشور یا شمال شرق دریای خزر و یا شمال غرب با کمک رودخانه ارس، زهره، سرپاز و خواجه مهیا کند و این چرخش آب را انجام دهد مطمئناً بیش از نیم میلیون هکتار اراضی زیر کشت می توانیم با یک کار زیرساختی به وجود بیاوریم که

قوی داشته باشد که بتواند طرح ها را آماده کند. سپس در اختیار سرمایه گذاران و کنسرسیوم های سرمایه گذاری خارجی قرار دهد و با پیشنهادات اقتصادی که می توانند از سرمایه گذاری در آینده سودها و منفعت های معقولی کسب کنند آنها را کسب کنند. در واقع ما چنین سیستمی را نداریم. مثلاً سازمان همبستگی کشاورزان ایران در یک گوشه از ایران روی رودخانه زهره کار کرد و طراحی را ارائه داد که مورد تصدیق «وزارت جهاد کشاورزی، وزارت نیرو و سازمان مدیریت آبهای سرزمینی ایران» بود. این طرح در خصوص بازچرخانی آب شیرینی بود که سالانه از دست می دهیم و شرکت هایی هم بودند که در این زمینه هم سابقه داشتند و هم علاقمند بودند اما متأسفانه دلسوزی در وزارت جهاد کشاورزی پیدا نکردیم که بتواند این جذابیت و این حلقه هایی را که این سازمان پیدا کرده بود و این طرح ها را اجرایی کند.

به عبارت دیگر متأسفانه وزیری را نمی بینیم که بیاید در وزارت جهاد کشاورزی دلسوزانه کارهای زیرساختی انجام دهد و غالباً در پی کارهای روزمره و گذران روز هستند؛ به عبارت دیگر کارهای زیرساختی نقشه در سیاستگذاری وزارت جهاد کشاورزی نداشته و فعلاً هم ندارد. به همین دلیل ما نتوانسته ایم به عنوان یک جذب کننده سرمایه در بخش کشاورزی موفق باشیم.

***قابلیت های کشاورزی ایران برای جذب سرمایه گذار داخلی و خارجی در چه شرایطی است؟**

بسیاری از کارشناسان معتقدند سرمایه گذاری در بخش کشاورزی به دلیل بالا بودن ریسک این حوزه چندان از سوی سرمایه گذاران مورد استقبال قرار نمی گیرد. با این وجود علیرضا الوندی عضو خبرگان کشاورزی استان تهران معتقد است اگر موضع دولت نسبت به این امر مشخص باشد کشورهای زیادی تمایل به سرمایه گذاری در ایران دارند.

در راستای بررسی ظرفیت های سرمایه گذاری های خارجی و داخلی در بخش کشاورزی کشور، جذابیت های سرمایه گذاری در این بخش، موانعی که موجب عدم تحقق آن می شود و ... گفت و گویی با وی انجام داده ایم که در ادامه می خوانید. *در حال حاضر از نظر جذابیت های سرمایه گذاری در بخش کشاورزی، کشور ما در چه وضعیتی قرار دارد و آیا جذابیت های لازم برای سرمایه گذار داخلی و خارجی دارد که سرمایه خود را به این بخش تزریق کنند یا خیر؟

قطعاً بسیاری از کشورها تمایل به سرمایه گذاری در ایران را دارند اما متأسفانه مواضع دولت در این زمینه بسیار ضعیف است و اصلاً توجه ای به این قضیه ندارد. علت این امر نیز این است که کلاً دولت به عنوان حاکمیت نمی تواند نقشی در تولید داشته باشد. همانطور که میدانید در بخش کشاورزی الان تولید دست تولیدکنندگان بخش خصوصی و یا غیر دولتی است. اما در بحث اراضی که در اختیار دولت است و در بحث زیرساخت ها و سرمایه گذاری برای تولید موادی که الان کشور وارد کننده آن است متأسفانه وزارت جهاد کشاورزی هیچگونه دیدگاه، برنامه ریزی و یا حتی معاونتی در این زمینه ندارد که جذب کننده سرمایه گذاران دنیا باشد و بخش خصوصی هم چون مالکیت ندارد قطعاً نمی تواند این کار را انجام دهد. به عنوان مثال در جنوب کشور مقدار زیادی اراضی داریم که این اراضی برای کشاورزی مستعد هستند اما زیرساختی برای آب رسانی به آن ها به طرق مختلف مثل «سیستم گردش آب شیرین در کنار رودخانه ها یا شیرین کردن آب» انجام نشده است و وزارت جهاد کشاورزی هم هیچ طرحی برای آن ندارد و تا حالا لایحه ای به مجلس نداده که درخواست مجوز برای جذب سرمایه گذاری در این اراضی دهد. لذا این امر احتیاج به یک معاونت خاص خود دارد که تحقیق و توسعه و پژوهش

کارهای زیرساختی نقشه در سیاستگذاری وزارت جهاد کشاورزی نداشته و فعلاً هم ندارد. به همین دلیل ما نتوانسته ایم به عنوان یک جذب کننده سرمایه در بخش کشاورزی موفق باشیم

بجای اینکه سالانه ۶ تا ۱۰ میلیارد دلار به کشاورزان برزلی، هند و یا آرژانتین برای واردات علوفه بدهیم می توان با ایجاد زیرساخت و سرمایه گذاری در بخش کشاورزی، این چرخه اقتصادی را در کشور ایجاد کنیم، اما مستلزم این است که وزیر کشاورزی نیت تغییر را داشته باشد

تبدیل به یک رویه شده است.

سازمان منطقه آزاد انزلی
Anzali Trade Industrial Free Zone

سرزمین سیاحت و تجارت

مرکز تجارت آسیا و اروپا - اوراسیا



بحث سرمایه گذاری در بخش های مختلف از جمله صنعت و معدن و کشاورزی کشور همواره مورد تاکید بوده است با این وجود به دلایلی همچون تحریم ها، فقدان زیرساخت مناسب، موانع قانونی و غیره بسیاری از سرمایه گذاران در نیمه راه منصرف شده و نتیجه ای در پی نداشته است. با این وجود آرمان خالقی دبیر کل خانه صنعت و معدن و تجارت ایران معتقد است در کلیه بخش هایی که دارای مزیت نسبی هستیم از جمله برخی محصولات کشاورزی مثل خرما و زعفران، ساخت و ساز، معدن، حمل و نقل و صنایع پایین دستی پتروشیمی می توان با مدیریت درست جذابیت سرمایه گذاری را در کشور چه برای سرمایه گذاران داخلی و چه سرمایه گذاران خارجی ایجاد کرد.

خالقی در خصوص وضعیت جذب سرمایه در بخش صنعت و معدن و کشاورزی کشور نسبت به دیگر کشورها می گوید: در بخش صنعت اگر بخواهیم نسبت به سایر کشورها مقایسه کنیم شاید کشور ما در حال حاضر جزو کشورهای جذاب برای سرمایه گذاری به نظر نمی رسد؛ آن هم به دلیل ریسک های بالایی که در کشور وجود دارد، به علاوه مباحث مربوط به نقل و انتقال پول، مسائل تحریمی و همچنین محیط کسب و کار.

به نقطه دافعه سرمایه در کشور

نزدیک می شویم

وی افزود: اگر به محیط کسب و کار بپردازیم آن هم با فرض اینکه در مورد سرمایه گذار داخلی مد نظر باشد نه سرمایه گذار خارجی، می بینیم که در این بخش در مرحله ای هستیم که به نقطه عدم جذابیت و دافعه سرمایه در

۴ محور اصلی بی میلی سرمایه گذاری در ایران در گفتگو با دبیر کل خانه صنعت معدن و تجارت ایران

نزدیک به محدوده دافعه سرمایه!

■ یاسمین بلوردی

به عنوان مثال در حوزه مزیت نسبی در کشور ما انرژی مزیت حساب می شد که با توجه به ناترازی انرژی در انرژی الکتریکی و گاز و سوخت، و این آشفتگی که در تامین انرژی داریم مزیت نسبی ما را خدشه دار کرده است. ضمن اینکه بحث مزیت نسبی نیروی کار که نیروی کار ما را ارزان می دانستند مطرح بود اما به دلیل عدم بهره وری که وجود دارد نیروی کار ما را گران کرده است.

وی افزود: از سوی دیگر در بحث حمل و نقل مزیت نسبی کافی را نداریم لذا در برخی موضوعات مزیت لازم و ظرفیت وجود دارد که باید روی آنها کار کنیم، بزرگنمایی کنیم و به نمایش بگذاریم و موضوعات دیگر را قاندا باید حل کنیم که مزیت نسبی که برای جذب سرمایه حداقل محسوب می شود را داشته باشیم.

بخش هایی که مزیت لازم برای جذب سرمایه را داریم

خالقی در پاسخ به این سوال که در کدام بخش ها و موضوعات مزیت لازم برای جذب سرمایه گذاران را داریم گفت: به عنوان مثال در بخش صنایع تبدیلی در برخی محصولات کشاورزی مثل خرما، زعفران برخی میوه های درختی چه به صورت بسته بندی و تازه خوری و چه در قالب کنسرواترکه مزیت داریم. ضمن اینکه در بخش شیرینی و شکلات محصولات و شرکت هایی داریم که در عرصه های جهانی مطرح شده اند. یا در سایر صنایع مثل صنایع تبدیلی و غیره.

وی افزود: در بحث صنایع پایین دستی پتروشیمی با توجه به وجود نفت و پتروشیمی که در کشور وجود دارد قاعدتا می تواند به عنوان مزیت ما محسوب شود. همچنین در عرصه ساختمان و ساخت و ساز اگر بتوانیم موضوعات مالی را حل کنیم تقاضا برای مسکن در کشور بالا است و می تواند زمینه سرمایه گذاری محسوب شود.

جذابیت بالای بخش معدن برای جذب سرمایه گذاری ها

خالقی تاکید کرد: از سوی دیگر حوزه معدن یکی از بخش های جذاب سرمایه گذاری است که اگر سرمایه

کشور نزدیک می شویم به نحوی که احتمال دارد سرمایه گذاران موجود داخلی هم کشور را ترک کنند و ما فرار سرمایه داشته باشیم. بنابراین اگر قرار است به این موضوع به طور جدی نگاه کنیم اولاً آنچه که باعث ایجاد دافعه در محیط کسب و کار می شود را باید به حداقل ممکن برسانیم و به حالت رقابتی با دیگران برسانیم.

خالقی خاطرنشان کرد: شاید محیط کسب و کار ما نسبت به ۲ سال پیش بهتر باشد اما رقابتی ما در منطقه و سایر کشورها از ما بهتر برای سرمایه گذارها محیط را فراهم کرده اند. لذا پرداختن به موضوعاتی که در سنجش شاخص های محیط کسب و کار باید به آن بپردازیم را باید در کشور به طور جدی در دستور کار بگذاریم. جالب است بدانید که در سنجش محیط کسب و کار در شاخص های بین المللی (قبلاً شاخص های محیط کسب و کار را بانک جهانی می سنجید و الان تبدیل به BR یعنی آمادگی کسب و کار شده است) از سال میلادی پیش رو (۲۰۲۵) BR خواهد بود و بر مبنای این شاخص ها سنجیده می شود. بنابراین برای اینکه بتوانیم خودمان را در این شاخص های تطبیق بدهیم و در رتبه بندی جهان قابل قبول باشیم و برای سرمایه گذاری جذاب باشیم باید این شاخص ها را رعایت کنیم.

وی ادامه داد: برخی از این شاخص ها شامل کاهش بروکراسی، بحث های مربوط به قوانین و مقررات ثبت و انحلال، و غیره است که همه این موارد باید در حداقل زمان و با حداقل هزینه و با حداقل مفاسد اداری انجام شود. لذا این را باید در دستور کار قرار دهیم و آن موقع بگوییم صنعت ما جذاب می شود که بر فرض یک سرمایه گذار بیاید در صنعت پلاستیک که پایین دست پتروشیمی است سرمایه گذاری کند.

انرژی و نیروی کار دیگر مزیت نسبی محسوب نمی شود

دبیر کل خانه صنعت معدن و تجارت ایران اذعان داشت: در بحث های دیگر برای سرمایه گذاری، اصولاً آنچه به آن توجه می شود این است که آیا ما مزیت نسبی داریم یا خیر. بعد مزیت رقابتی در مرحله بعد بررسی می شود.

و باید این بخش را به صورت جدی مدیریت کنیم وگر نه به مشکلات مخرب برمخوریم. از سوی دیگر خیلی از موضوعات که بعد به نظر می رسد جذابیت سرمایه گذاری دارد.

توریست پذیر شدن امارات و قطر

با مدیریت درست

وی ادامه داد: نکته قابل تامل اینکه مثالا زمانی بعید به نظر می رسید در جهانگردی و توریست کشوریایی مثل امارات و قطر بتوانند تا به این حد توریست پذیر شوند اما به هر حال کار درست و برنامه ریزی درست انجام دادند ضمن اینکه فرصت ها را ما نیز سوزانیدیم و از این رو در آن کشورها کسب و کار شکل گرفت و هم تولید در این کشورها پا گرفته است و قاعدتا توریست هم می پذیرد. در واقع با مدیریت درست جذابیت سرمایه گذاری را در کشور ایجاد کردند و یک محیط کسب و کار مساعد درست کردند و تجارت شد پایه اقتصاد شان و الان آبادانی و رفاه حول همین موضوع شکل گرفته است و شاهد هستیم امارات قطور رشد کرده است.



تحول صنایع کوچک با ابزارهای مدرن تأمین مالی



از پرداخت اقساط، مالکیت کامل تجهیزات را به دست آورند. این ابزار به ویژه برای صنایع تولیدی و فنی که نیاز به تجهیزات گران قیمت دارند، بسیار مفید است. متأسفانه لیزینگ در ایران، در حوزه خودرو متمرکز شده و معادل فروش اقساطی خودرو، شناخته می شود.

مزایا و فرصت های ابزارهای نوین تأمین مالی

برای ایران

استفاده از ابزارهای نوین تأمین مالی برای صنایع کوچک و متوسط در ایران دارای مزایای زیادی است. این مزایا می توانند به تسریع رشد اقتصادی کشور، کاهش وابستگی به تسهیلات بانکی و حمایت از کسب و کارهای نوپا بیانجامد. برخی از این مزایا عبارتند از:

۱- کاهش وابستگی به بانکها: ابزارهای نوین

تأمین مالی به کسب و کارها امکان می دهد که از طریق بازار سرمایه و سرمایه گذاران خرید، به منابع مالی دسترسی پیدا کنند و نیاز به تسهیلات بانکی را کاهش دهند. در شرایطی که بانکها زیر فشار عطش اعتباری قرار دارند و بعضاً به همین دلیل دچار ناترازی شده اند، ارایه راهکارهای موازی تأمین مالی بسیار ضروری

از چالش های بزرگ در مسیر استفاده از ابزارهای نوین تأمین مالی در ایران، فقدان قوانین و مقررات شفاف و حمایت های قانونی مناسب است

۳- سرمایه گذاری خطرپذیر (Venture Capital)

سرمایه گذاری خطرپذیر یکی از راه های مهم برای تأمین مالی استارت آپها و کسب و کارهای کوچک و متوسطی است که دارای ایده های نوآورانه هستند. سرمایه گذاری خطرپذیر باعث می شود تا این صنایع مسیر رشد و توسعه قرار گیرند. با توجه به رشد صنایع خلاق و فناوری در ایران، سرمایه گذاری خطرپذیر، نقشی کلیدی در توسعه و تقویت این صنایع ایفا می کند و چا دارد که توجه جدی تری به آن داشته باشیم.

۴- صندوق های تأمین مالی پروژه محور

صندوق های تأمین مالی پروژه محور، به ویژه برای کسب و کارهای کوچک و متوسط که قصد انجام پروژه های بزرگتر را دارند، گزینه های مناسبی است. این صندوق ها بر پایه تأمین مالی پروژه های فعالیت می کنند و سرمایه گذاران با اطمینان از بازدهی پروژه، در آن ها مشارکت می کنند. این نوع تأمین مالی به کسب و کارها امکان می دهد که پروژه های خود را بدون نگرانی از منابع مالی پیش ببرند و به رشد و توسعه پایدار دست یابند.

۵- لیزینگ

لیزینگ یا اجاره به شرط تملیک از دیگر ابزارهای مناسب تأمین مالی برای کسب و کارهای کوچک و متوسطی است که به دلیل کمبود نقدینگی نمی توانند سرمایه گذاری های بزرگی را انجام دهند. با استفاده از لیزینگ، این صنایع می توانند تجهیزات و ماشین آلات مورد نیاز خود را با پرداخت اقساطی تأمین کنند و پس

می شود.

۱- تأمین مالی جمعی (Crowdfunding)

تأمین مالی جمعی از جمله روش های مدرن و مبتنی بر فناوری های دیجیتال است که امکان جمع آوری سرمایه از افراد و گروه های مختلف را فراهم می آورد. این مدل تأمین مالی برای صنایع کوچک و متوسط و ویژه زمانی که به سرمایه گذاری های کوچک و متوسط نیاز دارند، مناسب است. تأمین مالی جمعی عمدتاً در بخش هایی مانند تولیدات صنایع خلاقانه، کسب و کارهای نوآورانه و استارت آپها به کار میرود. به عنوان مثال، یک کسب و کار نوپا در حوزه فناوری از طریق پلتفرم های تأمین مالی جمعی با جذب سرمایه گذاران خرد، به تأمین مالی مورد نیاز خود دست می یابد.

۲- انتشار اوراق بدهی و اوراق

اجاره

انتشار اوراق بدهی و اوراق اجاره از جمله ابزارهای کارآمد برای تأمین مالی بنگاه های کوچک و متوسط است. این اوراق به شرکت ها امکان می دهد که بدون نیاز به وابستگی به بانکها و تأمین مالی سنتی، سرمایه خود را از طریق بازار سرمایه تأمین کنند. مزیت این روش در این است که شرکتها، هزینه های مالی را کاهش داده و همچنین دسترسی به منابع مالی بیشتری پیدا میکنند. در حال حاضر این مسیر تقریباً به روی بخش خصوصی بسته است و عمدتاً دولت از این ابزار استفاده میکند که اوراق اسناد خزانه اسلامی (اخزا) مهمترین مثال آن میباشد.

صنایع می توانند تجهیزات و ماشین آلات مورد نیاز خود را با استفاده از لیزینگ تأمین کنند و پس از پرداخت اقساط، مالکیت کامل تجهیزات را به دست آورند. متأسفانه لیزینگ در ایران، در حوزه خودرو متمرکز شده و معادل فروش اقساطی خودرو، شناخته می شود

چالش تأمین مالی صنایع کوچک و متوسط

صنایع کوچک و متوسط در بسیاری از کشورها به عنوان موتور محرک اشتغال زایی و نوآوری اقتصادی شناخته می شوند. در ایران نیز این صنایع با توجه به انعطاف پذیری بالای خود در تولید و خدمات و همچنین توانایی تطابق با شرایط اقتصادی، نقش بسزایی در ایجاد ارزش افزوده دارند. طبق آمارها، بیش از ۹۰ درصد از بنگاه های اقتصادی کشور را صنایع کوچک و متوسط تشکیل می دهند و به همین دلیل توجه به نیازهای تأمین مالی این بخش بسیار مهم است.

این صنایع معمولاً با چالش های متعددی از جمله محدودیت های نقدینگی، دسترسی محدود به تسهیلات بانکی، هزینه های بالای مالی و نبود زیرساخت های تضمینی برای جذب سرمایه گذار مواجه اند. بنابراین، ارائه ابزارهای نوین تأمین مالی، به حل برخی از این چالش ها کمک می کند و زمینه را برای رشد و توسعه پایدار این بخش فراهم می کند.

ابزارهای نوین تأمین مالی برای صنایع کوچک و متوسط

امروزه، مجموعه ای از ابزارهای نوین تأمین مالی وجود دارند که به ویژه برای صنایع کوچک و متوسط مفید و کارآمد هستند. در ادامه برخی از این ابزارها و کاربردهای آنها در صنایع کوچک و متوسط بررسی



شرکت توسعه پلیمر کنگان که ۱۰۰٪ متعلق به شرکت پتروشیمی جم می باشد در تاریخ ۱۳۹۷/۰۷/۲۵ تحت شماره ۵۳۲۸۱۶ به منظور اجرا و بهره برداری طرح PDH/PP/ACN برای تولید پروپیلن و پلی پروپیلن ثبت و تأسیس گردید .

سایت پروژه حدوداً به مساحت ۶۵ هکتار در جنوب شرق فازهای ۲۲-۲۴ مجتمع گازی پارس جنوبی با در نظر گرفتن مزایای دسترسی به منبع خوراک پروپان در منطقه پارس جنوبی قرار دارد، قابل ذکر است که با در نظر گرفتن بازار جهانی تمرکز بر تولید پروپیلن به روش هیدروژن زدائی از روش تولید در واحدهای الفین پیشی گرفته است. (بدلیل قیمت خوراک کمتر و فرآیند ساده تر)



فاز یکم : زیر ساخت شامل بهسازی و استحصال زمین از دریا

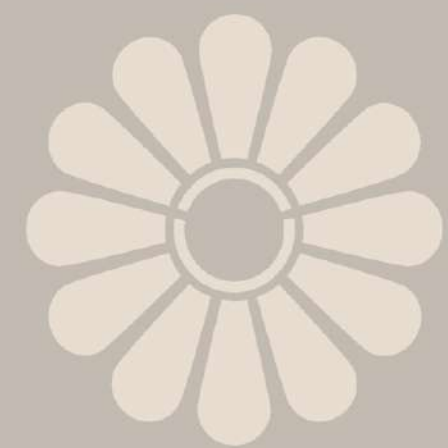
فاز دوم : احداث واحدهای یوتیلیتی آفسایت، آفپلات، واحد تولید پروپیلن از پروپان (PDH) به ظرفیت ۶۰۰ هزار تن در سال

فاز سوم : احداث واحد تولید Polypropylene به ظرفیت ۳۰۰ هزار تن در سال

فاز چهارم : واحدهای Acrylonitrile به ظرفیت ۱۳۰ هزار تن در سال

فازبندی پروژه‌های

PDH / PP / ACN



آدرس مجتمع: عسلویه . منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس ۲ . ضلع جنوبی فاز ۲۲ و ۲۴
آدرس دفتر تهران: بلوار نلسون ماندلا . خیابان دستگردی غربی . پلاک ۳۸۰
کدپستی: ۱۹۶۸۷۱۴۵۹۹ تلفن: ۰۷۷-۹۱۰۹۰۰۱۴ info@k-pdc.com www.k-pdc.com



جذابیت های نهفته سرمایه گذاری فولاد ایران کدامند؟

یک فرصت طلایی اما فولادی!

زینب غضنفری

صنعت فولاد در ایران به عنوان یکی از صنایع کلیدی اقتصادی، نقش بسیار مهمی در توسعه کشور ایفا می کند. با توجه به تغییرات اقلیمی و نیاز به کاهش کربن در تولیدات صنعتی، سرمایه گذاری در فولاد سبز و پایدار جذابیت ویژه ای پیدا کرده است. در این گزارش به بررسی جذابیت های سرمایه گذاری در بخش های مختلف صنعت فولاد با نگاهی به چشم انداز ۲۰۵۰ و پتانسیل های موجود در این صنعت می پردازیم.

فولاد یکی از مهم ترین مواد اولیه در صنایع مختلف از جمله ساخت و ساز، خودروسازی، و صنایع خانگی است. با توجه به این که ایران یکی از بزرگترین تولیدکنندگان فولاد در جهان است، صنعت فولاد نقش کلیدی در اقتصاد کشور دارد. این صنعت به طور مداوم در حال توسعه و بهبود فناوری ها و روش های تولید است تا باعث افزایش بهره وری و کاهش هزینه های تولید می شود.

چابکی صنعت فولاد در ایران

فولادسازی به سبب آن که نقش قابل ملاحظه ای در تولید ناخالص داخلی، ایجاد اشتغال، صادرات و ارزآوری دارد، در شاخص های توسعه یافتگی کشورها نقش پررنگی دارد و به عنوان یک صنعت استراتژیک از آن یاد می شود.

این صنعت از آن جهت برای کشور حائز اهمیت است که ایران از منابع و معادن غنی مواد معدنی برخوردار است و این موضوع ضمن دسترسی آسان و کم هزینه به ماده های معدنی جهت تولید محصولات پایانی، هم بهای تمام شده تولید را به نسبت سایر کشورهای پایین می آورد و هم قدرت چانه زنی در بازارهای خارجی را بالا می برد. ضمن آن که وفور معادن غنی دست شرکت ها را در تولید بیشتر باز می گذارد. در این میان، چالش های همچون کمبود انرژی، عدم نوسازی تکنولوژی، رکود در بازار مصرف داخلی و اختلال در زنجیره تامین مانع جدی و مهمی برای صنعت برتر کشور محسوب می شود.

با وجود همه مشکلات و اضافه شدن تحریم ها در سالیان گذشته به جمیع مشکلات، صنعت فولاد جزو معدود صنایعی بوده که به معنای واقعی بومی سازی شده و توانسته

نام ایران را در جمع برترین ها قرار دارد.

سرمایه گذاری بر روی صنعت فولاد

صنعت فولاد یکی از بخش های مهم اقتصادی است که در بازار سرمایه نقش بسیار مهمی دارد. این صنعت شامل تولید فولاد، فلزات و محصولات مشابه می شود. بازار سرمایه ای که مرتبط با صنعت فولاد است، می تواند تحت تاثیر متفاوتی از عواملی چون قیمت نفت، قیمت آهن، تقاضای جهانی و سیاست های اقتصادی کشورها قرار بگیرد.

صنعت فولاد یکی از بزرگترین و پرتنش ترین صنایع در ایران و جهان است. این صنعت به دلیل تاثیر زیاد آن بر اقتصاد های مختلف و نیاز به مواد اولیه برای صنایع دیگر، بسیار مهم است.

جذابیت های سرمایه گذاری صنعت از کجا و چگونه نشأت می گیرد؟

توسعه صنعت فولاد از تغییرات در سیاست های اقتصادی، تقاضای بازار و تحولات فناورانه متاثر است.

در سال های اخیر، بازارهای جهانی فولاد با تحریم ها و محدودیت های تجاری مواجه شده اند که تأثیرات متفاوتی بر روی تولید و تجارت داشته اند. همچنین، تمرکز بیشتر بر سبک های تولید ارتقا پذیر و کاهش آلودگی نشان دهنده تغییرات مثبت در این صنعت است.

با ذکر این نکته و بررسی عوامل مختلف باید به این نکات توجه کرد که عوامل مختلفی برای جذب سرمایه گذاری در صنایع فولاد تاثیر گذارند این عوامل عبارتند از :

موقعیت جغرافیایی و منابع طبیعی

ایران دارای منابع غنی از سنگ آهن و مواد اولیه فولادی است که به این کشور امکان تولید فولاد با هزینه کمتر را می دهد. موقعیت جغرافیایی ایران و نزدیکی به بازارهای مصرف بزرگ مانند خاورمیانه و آسیای میانه نیز یکی از مزیت های بزرگ برای سرمایه گذاری در این صنعت محسوب می شود.

توسعه زیربنایی

برنامه های توسعه ای دولت ایران برای گسترش زیرساخت های حمل و نقل، انرژی، و آب، باعث شده است



می تواند تأثیر زیادی بر عملکرد بازار سرمایه داشته باشد. افزایش تولید و فروش معمولاً نشان دهنده تقاضای قوی تر و عملکرد بهتر شرکت ها است، در حالی که کاهش تولید و فروش می تواند نشانه هایی از کاهش تقاضا یا مشکلات عملیاتی باشد.

آگهی ها و اطلاعات شرکتی

اطلاعات و آگهی های منتشر شده توسط شرکت های فولادی می تواند به سرمایه گذاران کمک کند تا درک بهتری از وضعیت فعلی و آینده شرکت ها داشته باشند. گزارش های مالی، اعلامیه های تولید و فروش، و خبرهای مرتبط با پروژه های جدید می توانند تأثیر زیادی بر قیمت سهام شرکت ها داشته باشند.

تحلیل های اختصاصی

استفاده از تحلیل های اختصاصی مانند تحلیل مالی و عملکرد می تواند به درک بهتر وضعیت شرکت های فولادی کمک کند. تحلیل های مالی معمولاً شامل بررسی درآمد، هزینه ها، سودآوری و جریان های نقدی شرکت ها است. تحلیل عملکرد نیز می تواند شامل بررسی بهره وری تولید و کیفیت محصولات باشد.

در خاتمه میتوان گفت سرمایه گذاری در صنعت فولاد ایران با توجه به پتانسیل ها و جذابیت های موجود، فرصتی بزرگ برای سرمایه گذاران داخلی و خارجی فراهم می کند. توسعه زیرساخت ها، استفاده از فناوری های نوین و هوشمند، و تولید فولاد سبز و کم کربن، از جمله مهم ترین عواملی هستند که به افزایش جذابیت سرمایه گذاری در این صنعت کمک می کنند.

با نگاه به چشم انداز ۲۰۵۰، می توان پیش بینی کرد که صنعت فولاد ایران نقش مهمی در اقتصاد جهانی ایفا خواهد کرد و باعث افزایش درآمدهای ارزی و توسعه اقتصادی کشور خواهد شد.

تعاملات بین المللی

با افزایش تعاملات بین المللی و تجارت جهانی، صنعت فولاد ایران نقش مهمی در بازارهای جهانی ایفا خواهد کرد. این تعاملات باعث افزایش صادرات و جذب سرمایه گذاری های خارجی می شوند.

تحقیق و توسعه

ادامه تحقیقات و توسعه فناوری های جدید در صنعت فولاد، به افزایش بهره وری و کاهش هزینه های تولید کمک می کنند. این تحقیقات همچنین به افزایش کیفیت محصولات فولادی و کاهش اثرات زیست محیطی تولید فولاد کمک خواهند کرد. همچنین می توان عملکرد کلی بازار سرمایه بر روی شرکت های فولادی را به شکل زیر بیان کرد :

مشاهدات بازار

تغییرات قیمت سهام شرکت های فولادی به دلایل مختلفی از جمله عرضه و تقاضا، نوسانات اقتصادی، و تغییرات سیاست های مالی می تواند نوسان داشته باشد. در ماه های اخیر، قیمت سهام بسیاری از شرکت های فولادی نوساناتی را تجربه کرده اند که می تواند به تغییرات در عرضه و تقاضا و همچنین نوسانات جهانی بازار فولاد نسبت داده شود.

متغیرهای اقتصادی

متغیرهای اقتصادی نظیر قیمت نفت، نرخ ارز و تعرفه های تجاری تأثیر زیادی بر عملکرد شرکت های فولادی دارند. افزایش قیمت نفت می تواند هزینه های تولید را افزایش دهد، در حالی که تغییرات نرخ ارز می تواند بر ارزش صادرات تأثیر بگذارد. تعرفه های تجاری نیز می توانند به عنوان یک عامل تعیین کننده در بازار فولاد نقش داشته باشند.

آمارهای تولید و فروش

آمارهای تولید و فروش شرکت های فولادی نیز

مستخ پورسی با الگوریتم های

نوشتنی مصنوعی

مهناز برخورداری



برابر بازده به دست آورد.

در اینجا خاطرنشان می شود که هوش مصنوعی این شرکت ها با هوش مصنوعی سنتی بسیار متفاوت است، زیرا مسئول تغذیه آن تحلیلگران مالی و کارشناسان اقتصادی هستند و مانند سایرین به منابع باز و رونق بازار توسط معامله گران منفرد وابسته نیست و سید سرمایه گذاری خود را تشکیل داده است. این را می توان به شکل گیری یک آگاهی جمعی از یک گروه تخصصی در بازار سهام تشبیه کرد که آن را بسیار قوی تر از هر آگاهی فردی یا حتی تلاش های سنتی برای طوفان فکری و هماهنگی ایده ها می کند.

اعتماد کن اما

آمار قطعی در مورد میزان سهم هوش مصنوعی در معاملات امروز در بورس وجود ندارد، اما برخی گزارش های آمریکایی نشان می دهند که تقریباً ۳۵ درصد از عملیات معاملاتی یا مستقیماً توسط هوش مصنوعی یا

طبق مطالعه ای که در ChatGBT انجام شد، او بهتر از ۹۵ درصد معامله گرانی که متحمل ضرر می شوند، می تواند سید سرمایه گذاری در ۱ درصد معامله گرانی که به طور منظم به سود می رسند، نمی رسد در عین حال وجوه با استفاده از هوش مصنوعی تخصصی، تقریباً ۳ برابر بازده به دست دارد در مقایسه با کارگزاران سنتی

با مشاوره آن انجام می شود. ۲۴ درصد از معامله گران در بازار آمریکا نشان می دهند که مشاوره دریافت می کنند یا به هوش مصنوعی یا «ربات ها» اجازه می دهند در درایی هایشان، چه سهام و چه ارزهای دیجیتال معامله کنند، و ۴۰ درصد آمریکایی ها به طور کلی اعتماد خود را به آینده هوش مصنوعی ابراز می کنند. شواهد این است که معامله گران معمولی بر توانایی هوش مصنوعی تحلیل الگوها یا استنباط الگوریتم ها از بازار سهام یا به طور کلی از بازارهای مالی تکیه می کنند.

این امر جنبه ای از بازار را نشان می دهد که شبیه به تحلیل تکنیکال سنتی است، اما ممکن است کیفی تر باشد، با توجه به اینکه هوش مصنوعی می تواند داده های بسیار بیشتری را نسبت به یک معامله گر معمولی مدیریت کند، زیرا از «بیش از حد اطلاعات» رنج نمی برد! اما این نشان می دهد که هوش مصنوعی در بعد مربوط به تحلیل الگوریتمی، در تحلیل تکنیکال بهتر از بازار خواهد بود و از کسانی که تحلیل بنیادی بازار را انجام می دهند بهتر عمل نمی کنند و در نتیجه کارایی آن در تحلیل بازار و دستیابی به ثبات و موفقیت آمیز سرمایه گذاری برای دوره های طولانی همچنان زیر سوال است.

توسعه فنواری های جدید

توسعه و استفاده از فناوری های جدید و هوشمند در انجام شده، تولید فولاد در ایران تا سال ۲۰۵۰ به میزان قابل توجهی افزایش خواهد یافت. این افزایش تولید باعث افزایش سهم ایران در بازارهای جهانی و افزایش درآمدهای ارزی کشور خواهد شد.

توسعه فنواری های جدید

توسعه و استفاده از فناوری های جدید و هوشمند در تولید فولاد، به افزایش بهره وری و کاهش هزینه های تولید کمک خواهد کرد. این فناوری ها همچنین به کاهش اثرات زیست محیطی تولید فولاد و تولید فولاد سبز کمک می کنند.

با توجه به این موضوع، یک معضل مربوط به مانند کودکی هستند که رشد می کنند و بنابراین ورود اطلاعات اشتباه به مدل هوش مصنوعی نتایج بسیار اشتباهی را به همراه خواهد داشت و این در مورد سیستم های مصنوعی باز صدق می کند. اما در مدل اطلاعاتی یا مدل بسته آن با توجه به این که اغلب اطلاعات دریافتی از منابع خاص و مطمئن تر است قابل اعتمادتر است.

شواهد این است که - حداقل تا این زمان - اعتماد کردن به هوش مصنوعی دشوار است. بنابراین، علیرغم برتری نسبی هوش مصنوعی در تجزیه و تحلیل فنی و اجرای عملیات معاملاتی بلادرنگ، خطرات و ترس هایی که این هوش مصنوعی ایجاد می کند باید حواسمان باشد.

منابع: ارقام - بیزینس فیو اچوکیشن اگنومیسنت



MIDDLE EAST MINES & MINERAL INDUSTRIES DEVELOPMENT HOLDING CO. MIDHCO

به پیمان ها دلخوش نباشید؛ چهره بانک ها خدشه دار است

تونل وحشت FATF

■ مریم غدیرپور



چنین شرایطی هر نوع سرمایه گذاری به دلیل عملیات شفاف ، عملاً منتفی و یا بسیار سخت و هزینه بر است. وی ادامه داد: تداوم این روند در دراز مدت برای کشور و تجارت صرفه اقتصادی نخواهد داشت. زیرا دلالت های بین المللی با نیاز سنجی از بازار ایران ارقام درخواستی را بالا خواهند بردو از سوی دیگر با کاهش درآمدهای ارزی عملاً فرصت سرمایه گذاری داخلی هم کمتر خواهد شد. بنابراین کارسازترین اقدام برای امنیت اقتصادی تجار خروج اصولی و قانونی از لیست سیاه FATF است.

کلام آخر

کارشناسان اقتصادی باور دارند که اگر نام ایران از لیست سیاه FATF خارج شود، رشد اقتصادی برای کشور به ارمغان می آورد. زیرا اکثر کشورهای عضو FATF از ترس جریمه های سنگین بخاطر مرآوده مالی با کشورهای که نامشان در لیست سیاه آمده تن به هیچ گونه مرآوده مالی و بانکی با این کشورها نخواهند داد. برای سرمایه گذاران داخلی و خارجی این وضعیت محدودیت های شدید در مرآوده بازارهای مالی بیشتر شبیه تونل وحشتی است که فقط باید برای سرگرمی

ذوالفقاری: برخی دوستان با این باور که شفاف سازی امور بانکی در شرایطی که هر روز حلقه تحریم ها تنگ تر می شود ، غلط است. اصرار دارند شفاف سازی راه را برای دور زدن تحریم ها سخت تر می کند؛ و با این اعتقاد به اقتصاد آسیب های بزرگی می زند

عادی قابل انجام نیست و هزینه مبادلات اقتصادی و تراکنش های مالی ایران چندین برابر حد معمول است. در واقع، عدم همکاری ایران با FATF، بخش اعظم تراکنش های مالی و بانکی کشور را از روند طبیعی خارج کرده و به حوزه دلالتی منتقل کرده و بدهی است که در

می افتد که حتی اگر دولت هم پیمان مالی ایران باشد؛ اما بخش بزرگ اقتصاد از سیاست ها دستوری پیروی نخواهد کرد ، نظیر آنچه هم اکنون در مرآودات بانکی با عراق شاهد آن هستیم.

به پیمان ها دلخوش نباشید

این استاد دانشگاه در پاسخ به این پرسش که آیا انتخایات آمریکا بر تسهیل مرآودات مالی و بانکی ایران تاثیرگذار است بیان کرد: خیر. فرقی نمی کند در آمریکا چه کسی رییس جمهور شود ، تا زمانی که تحریم ها علیه ایران اعمال می شود، سختی مشکلات مالی، بانکی و اقتصادی همچنان پابرجا خواهد ماند؛ زیرا ایران عملاً در تبادلات مالی قفل شده است و پیمان ها تنها می توانند بخش کوچکی از نیازهای مرآوداتی تجار کشور را برآورده کنند. وی افزود: بطور مثال برخی مواد اولیه در انحصار کشوری خاص است، که عضو پیمان شانگهای نیست ؛ این امر در شرایطی رخ می دهد که ممکن است نیاز بازار داخل به آن محصول یا مواد اولیه بسیار مبرم باشد.

جدال بر سر شفاف سازی

سعید ذوالفقاری، کارشناس مسائل مالی و سرمایه در رابطه با کاهش حجم سرمایه گذاری و مبادلات تجاری ایران در سالهای اخیر گفت: اقتصاد ایران که به علت بلاتکلیفی چندین ساله لوابج FATF با مشکلات عدیده ای مواجه شده، همچنان با

هم برای تجار ایرانی به شدت کاهش یافته است و در چنین شرایطی سرمایه گذاری نیز منتفی است.

وی خاطرنشان کرد: ایران با کشورهای نظیر چین، روسیه، عراق و ... هم پیمان است؛ ولی دور زدن تحریم در شرایط قرار داشتن در لیست سیاه FATF برای تجار عملاً امکان پذیر نیست؛ یا بسیار پرهزینه شده؛ زیرا این کشورها بویژه چین سطح مبادلات مالی بالاتری با آمریکا و اتحادیه اروپا دارند. بنابراین ترجیح عقلانی تجار این کشورها خودداری از مرآوده مالی با ایران است تا ریسک تحریم شدن و از دست دادن بازار بزرگ وپرسود آمریکا به صفر برسانند.

FATF زبان مشترک بانکداری در دنیا

این کارشناس مسائل اقتصادی با تاکید بر اینکه لوابج FATF زبان مشترک نظام بانکی و مالی جهان است گفت: در حال حاضر اتصال ایران با نظام بانکی جهانی کم شده است. بر مبنای توصیه های FATF کشورهای عضو چون نمی خواهند ریسک قرارگرفتن در لیست خاکستری یا سیاه را داشته باشند؛ از مرآوده بانکی یا حتی واسطه گری مالی برای کشورهایی نظیر ایران و کره شمالی و اخیراً میانمار پرهیز می کنند. لذا وقتی حتی مرآوده های مالی کوتاه مدت با یک کشور هزینه بر است عملاً سرمایه گذاری خارجی در آن منتفی است.

بغزیان: ترجیح عقلانی تجار کشورهای نظیر چین، روسیه، عراق و ... که با ما هم پیمان هستند؛ خودداری از مرآوده مالی با ایران است تا ریسک تحریم شدن و از دست دادن بازار بزرگ وپرسود آمریکا به صفر برسانند

بغزیان

افزود:واقعیت این است که تراز تجاری چین با آمریکا با تراز تجاری چین با ایران قابل مقایسه نیست. بنابراین مطابق آنچه در علم اقتصاد بارها بر آن تاکید شده سرمایه ترسو است؛ بنابراین سرمایه جایی می رود که ریسک کمتر با سود بیشتر داشته باشد. این امر در شرایطی اتفاق



در قانون بودجه ۱۴۰۱ شفاف سازی در اعطای تسهیلات و تعهدات کلان به اشخاص، جزو شرح وظایف بانک مرکزی اعلام شد؛ بر این اساس مقرر شد وظایف بانک مرکزی به ویژه در زمینه تسهیلات دهی کلان با شفافیت کامل انجام شود، این قانون قصد دارد عملکرد بانک مرکزی کشور را به عنوان نهادی مستقل در اتاق شیشه ای قرار دهد تا احتمال پولشویی و سایر اعمال خلاف پولی و مالی در این نهاد کشور به صفر نزدیک شود. سیستم مرآودات مالی و بانکی دنیا هم از این قاعده مستثنی نیست؛ گروه ویژه اقدام مالی یا همان FATF یک سازمان بین دولتی است که با پولشویی و تامین مالی تروریسم مبارزه می کند. این نهاد عملاً همان اتاق شیشه ای بانکداری جهانی است. ولی بر اساس معیارهای سختگیرانه این سازمان ساهلست که ایران در لیست سیاه این سازمان قرار گرفته و عملاً جان تجارت بین المللی ایران با دنیا را گرفته است. کارشناسان بر این باورند که این وضعیت محدودیت شدید در مرآوده در بازارهای مالی در اثر قرار گرفتن ایران در لیست

سیاه FATF برای سرمایه گذاران داخلی و خارجی بیشتر شبیه تونل وحشتی است که فقط برای سرگرمی و بالا رفتن هیجان باید به آن ورود کرد و زیبایی است که سرمایه از هیجان و ترس فراری است. در ادامه نظر کارشناسان اقتصادی را درباره آسیب های باقی ماندن ایران در لیست سیاه FATF به ویژه در مورد جذب سرمایه گذاری خارجی را می خوانید.

تجارت بین المللی در ایران قفل است

آلبرت بغزیان، استاد دانشگاه و کارشناس مسائل اقتصادی در رابطه با عواقب باقی ماندن ایران در لیست سیاه FATF اظهار کرد: گشتی کوتاه در بازارهای تجاری ایران نشان می دهد، تجارت در این قفل شده است. زیرا با باقی ماندن نام ایران در لیست سیاه حتی امکان دور زدن تحریم ها،

اقتصاد دیجیتال؛ راه های نوین برای استقلال مالی و سرمایه گذاری

محمد شریفی

رییس مرکز نوآوری و شتابدهی صادراتی



رمز دارایی ها به عنوان یکی از پیشرفته ترین ابزارهای مالی، تحولات عمیقی را در نظام های اقتصادی جهان ایجاد کرده اند و مسیر تازه ای برای اقتصادهای جهانی گشوده اند.

در مسیری که از بیت کوین به عنوان اولین رمزارز تا ظهور هزاران رمزارز دیگر طی شده، این فناوری ها به دنبال ایجاد اعتماد و شفافیت در معاملات هستند. فناوری بلاکچین که زیرساخت رمز دارایی ها را فراهم می کند، علاوه بر غیرمتمرکز بودن، امکان شفاف سازی و امنیت را در تبادلات مالی و اطلاعاتی به ارمغان آورده و زمینه ای برای تحول نظام های مالی سنتی ایجاد کرده است. برای کشورهای مالی مانند ایران که با محدودیت های اقتصادی و تحریم های مالی بین المللی مواجه اند، رمز دارایی ها فرصتی بی نظیر برای تقویت و تنوع اقتصاد فراهم می آورد و بستری برای عبور از محدودیت های موجود فراهم می کنند.

نیاز به چارچوب قانونی جامع برای رمز دارایی ها دستگاه های اجرایی ایران، تاکنون موضع شفافیتی

نسبت به رمز دارایی ها اتخاذ کرده اند.

نبود قوانین مشخص در این حوزه باعث شده تا برخی از صرافی ها و فعالان رمز ارز در کشور با چالش های متعددی در خصوص امنیت، پایداری بسترهای مالی و شفافیت قانونی مواجه باشند.

این ناپایداری های قانونی از یک سو و تهدیدات ناشی از تحریم ها از سوی دیگر، موجب شده است که در فضای

اقتصادی کشور نوعی سردرگمی و نگرانی در خصوص آینده رمز دارایی ها و بهره برداری از آنها ایجاد شود.

یکی از مهم ترین نیازهای ایران در این زمینه، تدوین و اجرای قوانین جامع و شفاف است که به فعالان و سرمایه گذاران اطمینان دهد و ریسک های مرتبط با این بازار نوظهور را کاهش دهد. تدوین یک چارچوب قانونی مشخص، علاوه بر جذب سرمایه گذاری های داخلی و خارجی به تقویت زیرساخت های امنیتی و حفاظتی بازار رمز دارایی ها نیز منجر می شود.

پلی برای عبور از تحریم ها

رمز دارایی ها به دلیل ماهیت غیرمتمرکز و استقلال از نظام های مالی سنتی، می توانند راهی برای عبور از محدودیت های مالی و بانکی باشند؛ موضوعی که برای ایران به عنوان یک کشور تحت تحریم، بسیار حائز اهمیت است. استفاده از رمز دارایی ها به ایران امکان می دهد که از

نقش قراردادهای هوشمند در توسعه

تحولات فناوری در حوزه رمز دارایی ها، از جمله قراردادهای هوشمند و امور مالی غیرمتمرکز یا دیفای (DeFi)، فرصت های بسیاری را برای توسعه اقتصادی و کاهش هزینه های معاملاتی به همراه دارند. قراردادهای هوشمند، برنامه های خود اجرا هستند که به صورت خودکار فرآیندهای مالی را مدیریت و اجرای قراردادها را تضمین میکنند. با توجه به عدم نیاز به واسطه های سنتی در این فرآیندها، ایران می تواند با استفاده از قراردادهای هوشمند، هزینه های مالی را کاهش دهد و اعتماد و شفافیت را در معاملات مالی افزایش دهد.

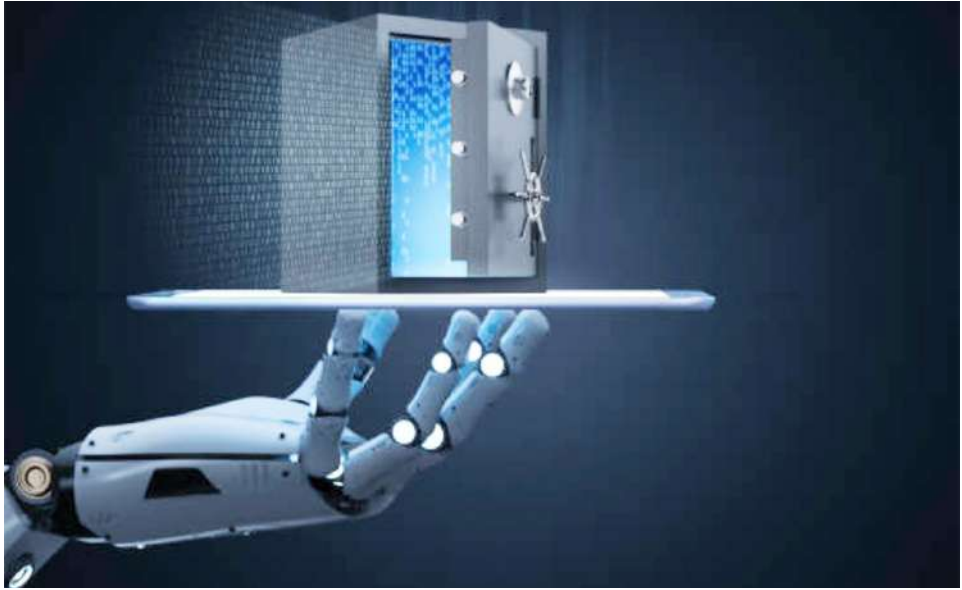
پلتفرم های دیفای نیز با ارائه خدمات مالی غیرمتمرکز، امکان دسترسی به خدمات بانکی و مالی را برای کسانی که به سیستم های مالی سنتی دسترسی ندارند، فراهم می کنند. برای ایران که با چالش های اقتصادی و دسترسی محدود به بانک های بین المللی مواجه است، دیفای به عنوان بستری موثر برای توسعه اقتصاد دیجیتال و ایجاد دسترسی به خدمات مالی نوین عمل میکند. این پلتفرم ها امکان وام دهی، پس انداز و حتی ایجاد صندوق های سرمایه گذاری را بدون نیاز به واسطه های بانکی فراهم می کنند و از این رو، در تقویت اقتصاد داخلی و افزایش مشارکت مردمی در فعالیت های اقتصادی موثر هستند.

NFT ها در خدمت صنایع خلاق و اقتصاد فرهنگی

در حوزه های فرهنگی و هنری، توکن های غیرقابل تعویض (NFT) به عنوان یک ابزار اقتصادی و فرهنگی برای ایران مفید هستند. NFT ها توکن هایی هستند که به دارایی های دیجیتال منحصر به فرد اختصاص داده می شوند و به صاحبان آن امکان می دهند که مالکیت و حق مالکیت بر دارایی های دیجیتال خود را به صورت امن و شفاف به دیگران انتقال دهند. ایران می تواند از این ابزار برای حمایت از هنرمندان داخلی و ایجاد بازارهایی برای فروش آثار هنری و فرهنگی استفاده کند.

NFT ها با فراهم کردن بستری

برای نمایش و فروش آثار هنری به مخاطبان جهانی، به هنرمندان ایرانی این امکان را می دهد که محصولات و آثار خود را به صورت دیجیتال و بین المللی به فروش برسانند. این امر، به توسعه اقتصاد هنر و فرهنگ کشور منجر



می شود و باعث میشود که ایران در عرصه هنر دیجیتال نیز حضوری موثر داشته باشد.

چالش های موجود در بهره برداری رمز دارایی ها

رمز دارایی ها

با وجود مزایای گسترده ای که رمز دارایی ها برای اقتصاد ایران به همراه دارند، چالش های متعددی نیز در این مسیر وجود دارد. یکی از بزرگ ترین چالش ها، نبود

قوانین شفاف و جامع در خصوص رمز دارایی ها است. این موضوع نه تنها به عدم اطمینان فعالان و سرمایه گذاران می انجامد، بلکه مانعی بر سر راه توسعه و بهره برداری صحیح از این فناوری ها ایجاد می کند. نبود چارچوب های قانونی و نظارتی مشخص، ریسک های مرتبط با سرمایه گذاری و انجام معاملات در این بازار را افزایش می دهد و امنیت دارایی ها را نیز به خطر می اندازد.

چالش های فنی نیز از دیگر مسائلی هستند که باید مورد توجه قرار گیرند. نیاز به شبکه های اینترنتی پایدار و مصرف انرژی بالا از جمله مواردی هستند که به خصوص در ایران با محدودیت هایی روبرو است. مراکز استخراج رمز ارز به دلیل نیاز به مصرف انرژی بالا، ممکن است منجر به مشکلات زیست محیطی و همچنین کمبود منابع انرژی در سطح ملی شوند. از این رو، استفاده از انرژی های

تجدیدپذیر برای مراکز استخراج رمز ارز، یکی از راهکارهای کاهش تاثیرات زیست محیطی این فعالیت ها است. **گام های پیشنهادی برای بهره برداری از فرصت های رمز دارایی ها**

برای استفاده بهینه از رمز دارایی ها در ایران، تدوین و اجرای مجموعه ای از سیاست ها و اقدامات کلیدی ضروری است که مهمترین آنها عبارتند از:

تدوین قوانین جامع و شفاف: ایجاد قوانین شفاف و جامع در خصوص استخراج، تجارت، مالیات و انتقال رمز دارایی ها که اعتماد عمومی را جلب کرده و ریسک ها را کاهش دهد.

توسعه زیرساخت های امنیتی و آموزشی: امنیت از اهمیت ویژه ای برخوردار است و ایجاد زیرساخت های امنیتی و حفاظتی برای معاملات رمز دارایی ها باید در اولویت قرار گیرد. همچنین، آموزش و آگاهی بخشی عمومی نیز ضروری است.

تشویق به استفاده از انرژی های تجدیدپذیر: با توجه به مصرف بالای انرژی در فرآیند استخراج رمز ارزها، توجه به انرژی های تجدیدپذیر به عنوان یک منبع تامین انرژی پایدار می تواند کمک شایانی به کاهش اثرات زیست محیطی داشته باشد.

حمایت از پروژه های بومی بلاکچین: توسعه پروژه های بومی مبتنی بر بلاکچین و ایجاد اکوسیستم های نوآورانه و بومی در حوزه های مختلف اقتصادی می تواند ایران را در زمره

کشورهایی با رشد سریع در این عرصه قرار دهد.

بابک نبی

نئوبانک‌ها تحولی در نحوه ارائه خدمات مالی به وجود آورده‌اند. همچنین با فراهم کردن امکاناتی که تجربه کاربری بهتری را ارائه می‌دهد، به مشتریان قدرت انتخاب بیشتری نیز داده‌اند. این روند به نفع کل صنعت بانکی است و نوآوری را در خدمات مالی بیشتر می‌کند.

نئوبانک‌ها به‌عنوان نسل جدید بانکداری، تأثیرات عمیقی بر صنعت مالی و نحوه ارائه خدمات بانکی دارند. این بانک‌های دیجیتال خدمات خود را با استفاده از فناوری‌های نوین، به‌صورت آنلاین و بدون نیاز به شعب فیزیکی ارائه می‌دهند. این مدل به مشتریان امکان می‌دهد تا به‌راحتی و در هر زمان و مکانی به حساب‌های خود دسترسی داشته باشند. یکی از ویژگی‌های بارز نئوبانک‌ها، تجربه کاربری بسیار بهبودیافته آن‌هاست. با طراحی‌های ساده و کاربرپسند، این بانک‌ها امکان انجام تراکنش‌ها، مدیریت حساب‌ها و دسترسی به اطلاعات مالی را به‌راحتی برای کاربران فراهم می‌کنند. علاوه بر این، نئوبانک‌ها معمولاً هزینه‌های کمتری نسبت به بانک‌های سنتی دارند؛ زیرا با کاهش هزینه‌های عملیاتی ناشی از عدم نیاز به شعب فیزیکی، خدمات خود را با نرخ‌های رقابتی‌تری ارائه می‌دهند. نئوبانک‌ها با استفاده از داده‌های بزرگ و تجزیه و تحلیل آن‌ها، به ارائه خدمات شخصی‌سازی شده و پیشنهادات مالی مناسب برای مشتریان می‌پردازند. این امکان به مشتریان کمک می‌کند تا بهترین تصمیمات مالی را اتخاذ کنند و در مدیریت منابع مالی خود موفق‌تر عمل کنند.

نئوبانک‌ها به راحتی با سایر خدمات مالی دیجیتال مانند کیف پول‌های الکترونیکی و پلتفرم‌های سرمایه‌گذاری، یکپارچه می‌شوند. این یکپارچگی باعث می‌شود تا کاربران تجربه مالی خوشایندتری داشته باشند و از امکانات مختلف به‌راحتی بهره‌مند شوند.

در دنیای امروز نئوبانک‌ها به‌ویژه برای نسل جوان

که به فناوری و فرآیندهای دیجیتالی علاقه‌مند هستند، جذابیت خاصی دارند. این نسل، انتظار خدمات سریع، امن و راحت را دارد و نئوبانک‌ها توانسته‌اند به این نیازها پاسخ دهند. با توجه به روند رو به رشد دیجیتالی شدن در جهان، می‌توان انتظار داشت که نئوبانک‌ها در آینده نقش بیشتری در شکل‌دهی به نظام مالی جهانی ایفا کنند. همچنین، نئوبانک‌ها می‌توانند به ارائه خدمات شخصی‌سازی‌شده با استفاده از داده‌های مشتریان بپردازند. این امر به مشتریان این امکان را می‌دهد که بر اساس نیازهای خاص خود، خدمات مالی متناسبی را دریافت کنند. در ایران، این قابلیت می‌تواند به بهبود مدیریت مالی افراد و کسب‌وکارها کمک کند.

از طرف دیگر، با توجه به محدودیت‌ها و چالش‌های سیستم بانکی سنتی، نئوبانک‌ها به عنوان گزینه‌ای جایگزین در ارائه خدمات مالی عمل می‌کنند. این بانک‌ها به دلیل انعطاف‌پذیری و قابلیت انطباق با شرایط بازار، سریع‌تر به نیازهای مشتریان پاسخ می‌دهند. نئوبانک‌ها همچنین به افزایش شفافیت در تراکنش‌ها و کاهش فساد کمک می‌کنند. با دیجیتالی شدن فرآیندها و ثبت تمامی تراکنش‌ها در بسترهای امن، امکان نظارت و مدیریت بهتری بر فعالیت‌های مالی فراهم می‌شود.

نقش پیششار نئوبانک‌ها در اقتصاد ایران و جهان



مسیر رشد در ایران

نئوبانک‌ها در ایران نیز در حال ظهور و رشد هستند و می‌توانند تحولی در نظام مالی کشور ایجاد کنند. با توجه به توسعه فناوری و افزایش دسترسی به اینترنت، این مدل بانکداری دیجیتال توانسته است توجه جوانان و افراد فناور را جلب کند. نئوبانک‌ها در ایران به ارائه خدمات سریع و راحت می‌پردازند. این بانک‌ها معمولاً هزینه‌های کمتری دارند و با کاهش نیاز به شعب فیزیکی، می‌توانند خدمات خود را با قیمت‌های رقابتی‌تری ارائه دهند. این ویژگی نه فقط برای سرمایه گذاران در نئو بانک بلکه برای مشتریان ایرانی که به دنبال صرفه‌جویی در هزینه‌ها و زمان هستند، جذابیت دارد. نئوبانک‌ها در ایران به بهبود دسترسی به خدمات مالی، افزایش رقابت و ارائه خدمات نوآورانه کمک می‌کنند. با رشد و توسعه این مدل، انتظار می‌رود که نظام بانکی ایران به سمت نوآوری و کارآمدی بیشتری حرکت کند.

تجربه برخی بانک‌های کوچک در راه اندازی نئوبانک‌های حرفه‌ای، نشان می‌دهد که این کار، نقطه‌ای کلیدی در جذب منابع بانکی است که به هزینه‌های بسیار کمتری هم نیاز دارد.

زیرساخت‌های لازم برای توسعه نئوبانک‌ها

نئوبانک‌ها برای عملکرد موثر و موفقیت‌های خود به زیرساخت‌های متعددی نیاز دارند. اولین نیاز آن‌ها زیرساخت فناوری اطلاعات است که شامل سیستم‌های قوی و پایدار برای پردازش تراکنش‌ها،

مدیریت داده‌ها و ذخیره‌سازی اطلاعات است. این شامل سرورها، پایگاه‌های داده و نرم‌افزارهای مالی می‌شود. متأسفانه این زیرساخت‌ها در ایران به دلایلی از جمله تحریم‌ها، با محدودیت‌هایی مواجه است.

اما بخشی از این فرآیند یعنی تقویت سرعت اینترنت، با اصلاح سیاست‌های دولتی امکان‌پذیر خواهد بود. نئوبانک‌ها به ابزارهای تحلیل داده و فناوری‌های هوش مصنوعی نیز نیاز دارند که به آن‌ها در تجزیه و تحلیل رفتار مشتریان و پیش‌بینی نیازهای آن‌ها کمک کند. اتصال به اینترنت با سرعت و قابلیت اطمینان بالا برای ارائه خدمات آنلاین و دسترسی به پلتفرم‌های دیجیتال بسیار مهم است. این زیرساخت‌ها به نئوبانک‌ها کمک می‌کند تا به طور مؤثر و کارآمد خدمات خود را ارائه دهند و تجربه‌ای راحت و ایمن برای مشتریان خود فراهم کنند.

طراحی و توسعه اپلیکیشن‌های موبایل و وب‌سایت‌های کاربرپسند نیز ضروری است. این پلتفرم‌ها باید قابلیت‌های متنوعی مانند مدیریت حساب، انتقال وجه و تجزیه و تحلیل مالی را ارائه دهند.

با توجه به حساسیت اطلاعات مالی، نئوبانک‌ها

باید سیستم‌های امنیتی قوی داشته باشند تا از داده‌های مشتریان در برابر هک و سرقت محافظت کنند. این امنیت شامل رمزنگاری، احراز هویت دو مرحله‌ای و نظارت مداوم بر تهدیدات است. نئوبانک‌ها همچنین باید با قوانین و مقررات بانکی و مالی کشور خود هماهنگ باشند. این شامل دریافت مجوزهای لازم و رعایت استانداردهای نظارتی است.

برای تسهیل تراکنش‌ها، نئوبانک‌ها به همکاری با شبکه‌های پرداخت، بانک‌ها و سایر مؤسسات مالی نیاز دارند تا بتوانند خدماتی مانند انتقال وجه و پرداخت‌های آنلاین را ارائه دهند. ایجاد یک سیستم پشتیبانی قوی برای پاسخگویی به سوالات و مشکلات مشتریان نیز امری حیاتی است که شامل چت‌بات‌ها، مرکز تماس و سیستم‌های مدیریت شکایات است.

نقش حمایت‌های قانونی

انتظار از مجلس به عنوان نهاد قانون‌گذاری کشور بسیار مهم و چندجانبه است. یکی از اصلی‌ترین انتظارات، تدوین و تصویب قوانینی است که به بهبود معیشت و کیفیت زندگی مردم کمک کند. این قوانین باید به‌طور شفاف و عادلانه به نیازهای مختلف جامعه پاسخ دهند و به کاهش نابرابری‌ها و مشکلات اجتماعی کمک کنند و در عین حال تحولات سریع در حوزه فناوری روز جمله نئو بانک‌ها را نیز دربرگیرد نه آن که مانند ترمز برای تحولات نقش آفرینی کند.

تجربه اولین پذیره نویسی بانک بدون شعبه چند سال پیش هنوز از یادها نرفته که چگونه سهام آن به فروش رفت و به چه سرنوشتی دچار شد در حالی که امروزه بانک‌ها تحت واژه نئو بانک یا بانکداری نوین در ارائه خدمات بدون شعبه فیزیکی در رقابت سخت هستند. علاوه بر این، انتظار می‌رود نمایندگان مجلس به صدای مردم گوش دهند و نظرات و مشکلات آنان را در فرآیند تصمیم‌گیری مدنظر قرار دهند. برقراری ارتباط مؤثر با مردم و ایجاد سازوکارهایی برای جلب نظرات آنان، به مجلس کمک می‌کند تا تصمیمات بهتری اتخاذ کند. یکی از گلايه‌های فعالان اکوسیستم استارت‌آپی بویژه نئوبانک‌ها، محدودیت سرعت اینترنت است.

با توجه به محدودیت‌ها و چالش‌های سیستم بانکی سنتی، نئوبانک‌ها به عنوان گزینه‌ای جایگزین در ارائه خدمات مالی عمل می‌کنند. این بانک‌ها به دلیل انعطاف‌پذیری و قابلیت انطباق با شرایط بازار، سریع‌تر به نیازهای مشتریان پاسخ می‌دهند.

صورت لاری میراث ناترازی بانک‌ها

هادی قدیمی



یکی از چالش‌های جدی که در سال‌های اخیر سیستم بانکی ایران با آن مواجه شده، پدیده ناترازی بانک‌ها است. در دوره دولت سیزدهم، سیاست کاهش بدهی دولت به بانک مرکزی به‌عنوان یکی از دستاوردهای مالی آن دولت مطرح شد. اما در سایه این موفقیت، فشارها از سوی وزارتخانه‌ها و شرکت‌های دولتی بر بانک‌ها برای دریافت وام مستقیم و همچنین افزایش تسهیلات تکلیفی افزایش یافت. این موضوع که در نگاه اول شاید بی‌اهمیت به نظر برسد، اما به‌طور غیرمستقیم منجر به افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی شده است.

بدهی‌های منجر به تورم

بسیاری از کارشناسان اقتصادی در سال‌های اخیر معتقد بودند که تورم در ایران عمدتاً به دلیل بدهی مستقیم دولت به بانک مرکزی است. اما بررسی‌های دقیق‌تر نشان می‌دهد که مشکل پیچیده‌تر است. یکی از عوامل مهم تورم، تسهیلات نامتعرفی است که بانک‌ها به ارکان مختلف دولت اعطا می‌کنند. وقتی وزارتخانه‌ها و شرکت‌های دولتی برای تأمین مالی پروژه‌ها یا تأمین کسری بودجه، از بانک‌ها وام می‌گیرند، در واقع فشار سنگینی بر سیستم مالی کشور وارد می‌کنند. این روند باعث می‌شود بانک‌ها به‌جای تخصیص منابع خود به بخش‌های مولد اقتصاد، منابع را به پروژه‌های دولتی و نیمه‌دولتی اختصاص دهند که بازدهی پایینی دارند یا حتی در برخی موارد زیان‌ده هستند. همین روند، اثرات تورم‌زایی را در پی دارد.

منابع مالی محدود بانک‌ها

و فشارهای دولتی

یکی از مفاهیم مهم در مدیریت مالی، این است که بانک‌ها منابع نامحدودی برای تأمین مالی ندارند. بانک‌ها باید به صورت هوشمندانه منابع مالی خود را بین بخش‌های مختلف اقتصاد توزیع کنند. این منابع معمولاً باید به مشتریان تجاری و

به دلیل اولویت‌دادن بانک‌ها به تسهیلات دولتی و خرید اوراق بدهی، این نیازها برآورده نمی‌شود. این شرایط باعث شده بسیاری از واحدهای صنعتی کشور با حداقل ظرفیت فعالیت کنند یا حتی به تعطیلی کشیده شوند

صنعتی بانک‌ها که نقش حیاتی در اقتصاد کشور دارند، تخصصی‌بند. در واقع هم منابع بانک‌ها در ارتباط مطلوب با مشتریان رعایت شود و هم اثرات تزریق نقدینگی، از طریق افزایش تولید خنثی شود. اما در ایران، فشارهای سنگین دولتی و نیاز فوری وزارتخانه‌ها به وام‌های مستقیم و غیرمستقیم، باعث شده بانک‌ها نتوانند این وظیفه مهم را به

درستی انجام دهند. الزام بانک‌ها به تأمین مالی ارکان مختلف دولت، در واقع فضای عملیاتی بانک‌ها را محدود کرده است. این در حالی است که صنایع کشور، به ویژه قطب‌های اقتصادی بزرگ، به دلیل تورم شدید و افزایش قیمت مواد اولیه در دو سه سال اخیر، نیاز بیشتری به سرمایه در گردش دارند. سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها می‌تواند به رشد و توسعه اقتصادی کشور کمک کند و از رکود فعلی خارج شود، اما فشارهای دولتی بانک‌ها را از ایفای این نقش مهم بازمی‌دارد.

بحران نقدینگی در شهرک‌ها و نواحی صنعتی

یکی از نشانه‌های بارز این ناترازی بانکی، بحران نقدینگی در شهرک‌ها و نواحی صنعتی است. این مناطق که باید به عنوان موتورهای رشد اقتصادی کشور عمل کنند، به دلیل بحران نقدینگی با ظرفیت‌های بسیار پایین فعالیت می‌کنند. صنایع موجود در این شهرک‌ها نیازمند تسهیلات بانکی برای تأمین سرمایه در

گردش و توسعه فعالیت‌های خود هستند، اما به دلیل اولویت‌دادن بانک‌ها به تسهیلات دولتی و خرید اوراق بدهی، این نیازها برآورده نمی‌شود. این شرایط باعث شده بسیاری از واحدهای صنعتی کشور با حداقل ظرفیت فعالیت کنند یا حتی به تعطیلی کشیده شوند. تأثیرات تورم‌زا و رکودزای سیاست‌های وام‌دهی افزایش تسهیلات به ارکان دولت نه تنها منابع

بانک‌ها را تهی می‌کند، بلکه فشار ترمیمی بیشتری نیز ایجاد می‌کند. این تسهیلات غالباً در پروژه‌هایی سرمایه‌گذاری می‌شوند که بازدهی اقتصادی پایین‌تری دارند و در برخی موارد حتی زیان‌ده هستند. این در حالی است که تسهیلات باید به صنایع و شرکت‌هایی که توانایی بازپرداخت و ایجاد ارزش افزوده اقتصادی دارند، اختصاص یابد. این سیاست‌های وام‌دهی غیرمؤثر، اقتصاد کشور را به سوی رکود عمیق‌تری سوق می‌دهد و به تشدید تورم نیز دامن می‌زند.

راه‌حل عبور از بحران

برای برون‌رفت از این بحران، نیاز به اصلاحات جدی در نظام بانکی و وام‌دهی کشور است. بانک‌ها باید استقلال بیشتری در تخصیص منابع داشته باشند و فشارهای دولتی کاهش یابد. تسهیلات بانکی باید به سمت صنایع مولد و شرکت‌های خصوصی هدایت شود، نه به پروژه‌های دولتی کم‌بازده. دولت نیز باید از طریق اصلاحات ساختاری، کسری بودجه خود را کاهش داده و منابع مالی را به صورت شفاف‌تری مدیریت کند. در غیر این صورت، فشارهای مضاعف بر سیستم بانکی ادامه خواهد یافت و ناترازی بانک‌ها به بحرانی جدی‌تر تبدیل خواهد شد.

بحران ناترازی بانک‌ها در ایران نتیجه‌ی ترکیبی از سیاست‌های نادرست و فشارهای دولتی بر سیستم بانکی است. اگرچه کاهش بدهی مستقیم دولت به بانک مرکزی در دولت سیزدهم قدم مثبتی بود، اما این تنها بخشی از مشکل است. برای حل این بحران و جلوگیری از تشدید آن، نیاز به تغییرات ساختاری و سیاست‌های هوشمندانه‌تر در مدیریت منابع مالی کشور است. بدون این اصلاحات، فشار بر بانک‌ها و به تبع آن، صنایع و اقتصاد کشور، همچنان ادامه خواهد داشت.



هشتمین قرعه‌کشی حساب‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز

بانک سینا برگزار شد

برنده بعدی شما باشید...



برای مشاهده اسامی برندگان

به آدرس سایت www.sinabank.ir مراجعه کنید.

سرمایه گذاری پر بازده آینده برای تجدیدپذیرها

کربن صفر ۲۰۵۰ چگونه معدنی های ایران را جذاب می کند؟

سهیلا روزبان



عناصر خاکی کمیاب بین ۸ درصد تا ۱۵ درصد افزایش یافته است و ایران می تواند با استفاده از بهره برداری بیشتر از ذخایر موجود در در معادن استان های کرمان، اصفهان، هرمزگان و خراسان رضوی و نیز استحصال کبالت و نیکل به از پسماندهای صنعت روی فرصت های ارز آوری کم نظیری را فراهم کند.

کاربردهای انرژی پاک به محرک اصلی رشد تقاضا برای طیف وسیعی از مواد معدنی حیاتی تبدیل شده است و خودروهای الکتریکی جایگاه خود را به عنوان بزرگترین بخش مصرف کننده لیتیوم تقویت کرده اند و سهم آنها در تقاضا برای نیکل، کبالت و گرافیت به طور قابل توجهی افزایش یافته است. همچنین فروش خودروهای برقی در سال ۲۰۲۳ نسبت به سال قبل حدود ۳۵ درصد افزایش یافته است و پیش بینی می شود تا سال ۲۰۳۰ سهم فروش خودروهای برقی به ۶۵ درصد از کل خودروهای فروخته شده در سال افزایش یابد.

اگرچه بازار در حال حاضر باثبات است، اما این بدان معنا نیست که شرایط در آینده خوب خواهد بود، زیرا انتظار می رود تقاضا برای مواد معدنی انرژی سبز به دلیل گسترش انرژی پاک ادامه یابد.

بر اساس داده های آژانس بین المللی انرژی، انتظار می رود مجموع ارزش بازار مواد معدنی انتقال انرژی سبز مانند مس، لیتیوم، نیکل و کبالت بیش از دو برابر شود و از ۳۲۵ میلیارد دلار فعلی تا سال ۲۰۴۰ به ۷۷۰ میلیارد دلار برسد.

یکی از بزرگترین واردکنندگان این قطعات محسوب می شود. حدود یک چهارم خودروهای الکتریکی و باتری ها تقریباً تمام ماژول های فتوولتائیک خورشیدی و سلول های سوختی وارد می شوند که بیشتر آنها از چین وارد می شوند.

برای پل های فتوولتائیک خورشیدی، چین تجهیزات را مستقیماً به همه بازارها به جز آمریکای شمالی عرضه می کند، و ایالات متحده دو سوم ماژول های پل های فتوولتائیک خورشیدی را از آسیای جنوب شرقی وارد می کند.

نگرانی های تامین

به گزارش سایت ارقام شاخص قیمت فلزات انتقال انرژی آژانس بین المللی انرژی، که قیمت سبکی از

مس، فلزات کلیدی باتری های الکتریکی و عناصر خاکی کمیاب را بررسی کرد و نشان داد که طی دو سال و در ژانویه ۲۰۲۰ سه برابر شده است. اگر چه این شاخص تا پایان سال ۲۰۲۳ بیشترین افزایش را از دست داد - اگرچه قیمت مس در سطوح بالای قیمتی باقی ماند.

رشد قابل توجه تقاضا برای مواد معدنی حیاتی در انرژی های تجدید پذیر در سال ۲۰۲۳، با افزایش تقاضا برای لیتیوم ۳۰ درصد مواجه بوده است، در حالی که تقاضا برای نیکل، کبالت، گرافیت و

در سال ۲۰۳۰ به اوج خود برسد.

کشورهای مسلط

تولید مواد معدنی با انرژی پاک با چالش بزرگی مواجه است که بسیاری از آنها در مناطق جغرافیایی خاص متمرکز شده اند و نگرانی هایی را در مورد امنیت عرضه افزایش می دهند.

برای مثال، در حال حاضر جمهوری دموکراتیک کنگو ۷۰ درصد کبالت را امروز تامین می کند. جمهوری خلق چین ۶۰ درصد عناصر خاکی کمیاب. اندونزی بیش از ۴۵ درصد نیکل را تشکیل می دهد و تولید لیتیوم عمدتاً در استرالیا (۴۷ درصد) و شیلی (۳۰ درصد) متمرکز است.

فرآوری این مواد معدنی نیز در مناطق بسیار محدودی انجام می شود

و چین مسئول پالایش ۹۰ درصد عناصر خاکی کمیاب و ۶۰ تا ۷۰ درصد لیتیوم و کبالت است. چین همچنین پیشروترین تامین کننده جهانی فناوری های انرژی پاک امروز و صادرکننده خالص بسیاری از آنها است، زیرا چین حداقل ۶۰ درصد از ظرفیت تولید جهانی را برای اکثر فناوری های مورد استفاده در انرژی پاک، مانند باتری های

الکتریکی، پل های خورشیدی و ... در اختیار دارد. توربین های بادی و حدود ۴۰ درصد الکترولیزرها را تولید می کند. اروپا به استثنای قطعات توربین بادی

در سال جاری هستند.

کوآسی آمپوفو، رئیس بخش مواد معدنی و معدن در بلومبرگ نیو انرژی فایننس و یکی از همکاران اصلی این گزارش گفت: «کمبود طولانی مدت این مواد معدنی قیمت مواد خام را افزایش می دهد و هزینه فناوری های انرژی پاک را افزایش می دهد.»

در صورت ادامه برنامه های اعلام شده انرژی پاک، انتظار می رود که جهان بین سال های ۲۰۲۷ تا ۲۰۵۰ به حدود ۳ میلیارد تن از این فلزات برای ساخت راه حل های کم کربن مانند خودروهای الکتریکی، توربین های بادی و الکترولیزرها نیاز داشته باشد.

در این گزارش آمده است که این رقم احتمالاً تا سال ۲۰۵۰ به ۶ میلیارد تن افزایش می یابد تا به کربن صفر نزدیک شویم. علیرغم نقشی که عملیات بازیافت می تواند در

تامین بخشی از تقاضای این فلزات ایفا کند، این عملیات برای پوشش کسری عرضه کافی نخواهد بود. همچنین انتظار می رود آسیای جنوب شرقی به سریع ترین بازار در حال رشد برای مواد معدنی انرژی پاک در دهه ۲۰۳۰ تبدیل شود که ایران می تواند به یکی از تامین کننده های قابل اتکا در این باره تبدیل شود. به عنوان مثال، در چین بین سال های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۳ مصرف از میانگین جهانی فراتر رفت، اما انتظار می رود استفاده این کشور از این فلزات

میانگین بلندمدت افزایش دمای جهانی را به کمتر از ۲ درجه سانتیگراد بالاتر از سطح قبل از صنعتی شدن نگه دارند و تلاش کنند تا آن را تا پایان قرن جاری به ۱٫۵ درجه سانتیگراد محدود کنند.

جامعه علمی بارها هشدار داده است که افزایش دمای بیش از ۱٫۵ درجه سانتیگراد می تواند تأثیرات خطرناک تری از تغییرات آب و هوا و آب و هوای شدید ایجاد کند. این تأثیرات شامل امواج گرمای شدید، افزایش سیل و خشکسالی، کاهش یخ و یخچال های طبیعی دریا و تسریع افزایش سطح دریا است که بسیاری از شهرهای ساحلی را به زیر آب می برد. در کنفرانس تغییرات آب و هوایی سازمان ملل متحد در دبئی (COP۲۸)، دولت ها موافقت کردند که ظرفیت انرژی های تجدیدپذیر را تا سال ۲۰۳۰ سه برابر کنند، اما هیچ راهی برای دستیابی به این هدف بدون افزایش قابل توجه در عرضه این مواد معدنی حیاتی وجود ندارد.

به گفته آژانس بین المللی انرژی، انتظار می رود تقاضا برای مواد معدنی برای استفاده در انرژی های پاک تا سال ۲۰۳۰ در مسیر رسیدن به انتشار خالص دی اکسید کربن جهانی تا سال ۲۰۵۰ به سه و نیم برابر افزایش یابد.

در یک رویداد سازمان ملل در آوریل گذشته، آنتونیو گوترش، دبیر کل سازمان، گفت که جهانی با انرژی های تجدیدپذیر "جهانی تشنه مواد معدنی حیاتی است" و تأکید کرد که این مواد معدنی جوهره گذار از سوخت های فسیلی به منابع انرژی تجدید پذیر هستند.

سرمایه گذاری بیش از دو

تریلیون دلار

بر اساس گزارشی که یکی از

شرکت های بلومبرگ در ماه جاری منتشر کرد، بخش معدن جهان به سرمایه گذاری های هنگفتی به میزان حدود ۲٫۱ تریلیون دلار آمریکا تا سال ۲۰۵۰ نیاز دارد تا تولید مواد خام را افزایش دهد که به کاهش انتشار گازهای گلخانه ای و رسیدن به صفر کمک می کند.

کمیاب تامین مواد اولیه مواد معدنی انرژی پاک، همراه با افزایش تقاضا، با توجه به قیمت بالای این مواد معدنی، مانع از تسریع پذیرش فناوری های انرژی پاک شده است. مواد معدنی کلیدی مورد استفاده در انتقال انرژی سبز، مانند آلومینیوم، مس و لیتیوم، ممکن است در طول دهه جاری با کمبود عرضه مواجه شوند و برخی از آنها در حال حاضر شاهد کمبود عرضه

با غروب خورشید در پشت کوه ها، کامیون های عظیم مملو از مواد معدنی از یک معدن دورافتاده در کوه های آمریکای جنوبی بیرون آمدند و آماده انتقال آنها به یک کارخانه باتری سازی در آسیا شدند. صحنه انتقال مواد خام از منابع خود به کارخانه ها در دهه های گذشته صحنه ای آشنا بوده است، اما آنچه غیرعادی است این است که این کامیون ها آینده جهان را در خود حمل می کنند. این کامیون های مملو از لیتیوم به یکی از عناصر حیاتی ضروری برای صحنه انرژی سبز تبدیل شده اند و این انرژی است که جهان برای متوقف کردن پدیده های تغییر اقلیم که روز به روز شدیدتر می شود، به آن تکیه می کند.

در زمانی که جهان به دنبال دور شدن از سوخت های فسیلی است، مواد معدنی با انرژی پاک در قلب انقلاب سبز قرار دارند و کلید دستیابی به آینده ای پایدار مبتنی بر انرژی های تجدیدپذیر محسوب می شوند. این یعنی بازارهای آتی نیز به معادن ایران نیازمند هستند و حتماً برای سرمایه گذاران داخلی و خارجی جذاب هستند.

از باتری های خودروهای الکتریکی گرفته تا توربین های بادی که بر روی تپه ها ایستاده اند، این مواد معدنی هستند که به جوهره گذار به سوی آینده ای پاک تبدیل شده اند، اما این انتقال در عین حال به منابع غیر قابل تجدید وابسته هستند.

منابعی که در کشور ما به وفور موجود است اما قوانین دست و پاگیر و کمبود تجهیزات به عاملی برای کاهش نقش آفرینی ما در بازارهای جهانی تبدیل شده است.

فرصتی برای زنده ماندن

محدود کردن گرمایش جهانی به تامین منابع مناسب و با قیمت رقابتی مواد معدنی حیاتی برای حمایت از انتقال انرژی سبز جهان، از جمله مس، لیتیوم، نیکل، کبالت و غیره بستگی دارد که ایران می تواند با ایجاد فرصت سرمایه گذاری و ایجاد مزیت به سرعت به یکی از بازیگران مطرح در دنیا بدل شود.

باتری مورد استفاده در خودروی الکتریکی شما و پل های خورشیدی مورد استفاده در نیروگاه ها همگی به مواد معدنی انرژی پاک بستگی دارند. جهان به شدت به انرژی های تجدیدپذیر متکی است تا افزایش دما در آینده نزدیک از ۱٫۵ درجه سانتیگراد تجاوز نکند و از بدترین اثرات تغییرات آب و هوایی مخرب جلوگیری شود و این موضوع در حقیقت فرصتی طلایی است برای معادن ایران. بر اساس توافق پاریس، کشورها موافقت کردند که

به گفته آژانس بین المللی انرژی های تجدیدپذیر، کشورهایی که بر مواد معدنی انرژی پاک تسلط دارند

فلز	درصد مالکیت کشور	چین (24%)	پرو (10%)	کنگو (10%)
مس	چین (24%)	پرو (10%)	کنگو (10%)	روسیه (7%)
نیکل	اندونزی (49%)	فیلیپین (10%)	روسیه (5%)	استرالیا (47%)
کبالت	کنگو (70%)	اندونزی (5%)	روسیه (11%)	زیمباوه (8%)
لیتیوم	چین (15%)	شیلی (30%)	روسیه (11%)	موزامبیک (13%)
پلاتین	آفریقای جنوبی (74%)	روسیه (11%)	زیمباوه (8%)	ماداگاسکار (8%)
گرافیت	چین (64%)	موزامبیک (13%)	ماداگاسکار (8%)	

درصد تسلط کشورها بر ذخایر مس جهان

ایالت	نسبت
شیلی	19%
پرو	12%
استرالیا	10%
روسیه	8%
کنگو	8%
مکزیک	5%
ایالات متحده	5%
چین	4%

سرمایه گذاری به عنوان فرآیند اصلی بیمه گری

منوره توجه قرار گیره



دکتر جلال سلطانی - مدیر عامل بیمه حافظ

تحقق یافته‌اند یا خیر. این معاونت نوسانات بازار، تغییرات اقتصادی و سیاسی و ریسک‌های اعتباری را دائماً رصد کرده و با بکارگیری فناوری و نوآوری‌های مالی، بهینه‌سازی سبد سرمایه‌گذاری بیمه گر را انجام میدهد.

تحقیقات متعددی انجام شده که سختی و پیچیدگی سرمایه‌گذاری در شرایط تورمی و در صنعت پیچیده بیمه را متأثر از متغیرهایی دانسته که عملاً سطح خدمات بیمه‌گران را از یکدیگر متمایز میکند. متغیرهایی مانند سهم بازار، توان ایفای تعهدات، تنوع محصولات بیمه‌ای، ذخایر فنی و مدل واگذاری ریسکها رابطه بسیار نزدیکی با پیچیدگی فرآیند سرمایه‌گذاری داشته و این موضوع بعلاوه تأییدیه‌های موجود در خصوص فرآیند اصلی بودن سرمایه‌گذاری ذخایر بیمه‌های زندگی، لزوم ادغام فرآیند سرمایه‌گذاری در فرآیندهای اصلی بیمه‌گری جنرال را تأیید می‌کند.

در خاتمه نظر خواننده محترم را به این معنی جلب میکند که اگر سرمایه‌گذاری در فرآیندهای اصلی بیمه‌گری شامل ارزیابی ریسک، صدور بیمه‌نامه و پرداخت خسارت لحاظ نشود، صرفاً در فرآیندهای مدیریتی دیده شود افزایش ریسک‌های ذیل حتمی خواهند بود:

- ۱- عدم اولویت بخشی به حفظ کیفیت خدمات، ثبات مالی و رضایت مشتریان؛
- ۲- عدم توجه به سرمایه‌گذاری در فرآیندهای اصلی بیمه‌گری؛
- ۳- عدم توجه به سرمایه‌گذاری در دارایی‌هایی مانند فناوری و منابع انسانی؛
- ۴- احتمال سقوط در بحرانهای مالی یا اعتباری و سرمایه‌گذاری‌های پرخطر و یا کم سرعت در نقدشوندگی؛
- ۵- احتمال عدول از قوانین و مقررات؛
- ۶- بی توجهی مدیریت ارشد به فرآیندهای اصلی بیمه‌گری؛
- ۷- ورود به حوزه‌های جدید سرمایه‌گذاری.

یک فرآیند اصلی و مرکزی در صنعت بیمه الزاماتی را برای مدیریت یک شرکت بیمه ایجاد میکند تا استراتژی‌های مناسبی را برای سرمایه‌گذاری اتخاذ کرده، در بازار رقابتی باقی بماند و به اهداف مالی خود دست یابد.

معاونت اقتصادی شرکت بیمه باید بازارهای مختلف را تحلیل کرده و بهترین فرصت‌های سرمایه‌گذاری را شناسایی کند و تصمیم بگیرد که چه نسبتی از دارایی‌ها را در هر نوع از سرمایه‌گذاری‌ها با اتخاذ استراتژی‌های مدیریت ریسک مانند ریسک‌گریزی و ریسک‌پذیری در بازه زمانی مشخص، تخصیص و پیاده‌سازی کند. سپس در یک چرخه‌ی نظارت و ارزیابی و اقدام، عملکرد سبد سرمایه‌گذاری را به طور مداوم پایش نموده تا اطمینان حاصل شود که اهداف مالی

بیمه به عنوان یک صنعت مالی پیچیده و چندبعدی، نه تنها به ارائه پوشش‌های مختلف در برابر ریسک‌ها می‌پردازد، بلکه به عنوان یک نهاد سرمایه‌گذاری نیز عمل می‌کند. سرمایه‌گذاری در بیمه‌گری به معنای تخصیص منابع مالی بیمه‌گذاران در قالب ذخایر فنی به دارایی‌های مختلف به منظور حفظ سرمایه اصلی و کسب بازدهی و در عین حال پرداخت سریع خسارت به زیاندیدگان حوادث تحت پوشش است.

لذا اهمیت سرمایه‌گذاری مناسب در صنعت بیمه میتواند اولاً موجب تأمین مالی تعهدات ثانیباً کسب درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها جهت افزایش سودآوری و نهایتاً افزایش سرعت نقدشوندگی و توانگری با تنوع‌بخشی به سبد سرمایه‌گذاری باشد فرآیند سرمایه‌گذاری به عنوان



مسعود شریعت زاده
مدیرمسئول

از سایه دولتی‌ها تا طایفه خصوصی‌ها

نجات پوررسی تهران با شرکت‌های موفق خصوصی

نتیجه وابستگی به سیستم بانکی کاهش یافته و فشار بر این نهادها کمتر می‌شود. بورس به‌عنوان منبعی مستقل و شفاف، شرکت‌های خصوصی را به مسیر توسعه هدایت کرده و از اتکای آنان به منابع بانکی می‌کاهد.

ورود به بورس مستلزم شفافیت مالی و ادغام دفاتر مالی است که نه تنها اعتماد سرمایه‌گذاران را جلب می‌کند بلکه به افزایش درآمد‌های مالیاتی دولت نیز کمک می‌کند. ادغام دفاتر مالی و ارائه گزارش‌های شفاف، زمینه‌ای برای نظارت دقیق‌تر و حسابرسی بهتر فراهم می‌آورد. دولت نیز می‌تواند با ارائه تخفیف‌های مالیاتی به شرکت‌های بورسی، انگیزه‌های لازم برای ورود شرکت‌های خصوصی به این عرصه را ایجاد کند و از این طریق به منافع مالی دست یابد.

چالش‌های کنونی بورس باشد، بلکه چشم‌انداز تازه‌ای از پویایی را به این بازار عرضه کند. مشکلاتی که شرکت‌های دولتی با آن‌ها مواجهند؛ از ضعف در مدیریت گرفته تا عدم شفافیت و بهره‌وری پایین، باعث شده تمایل سرمایه‌گذاران به خرید سهام این شرکت‌ها کاهش یابد و در نتیجه، گردش نقدینگی در این بخش محدود باقی بماند. در مقابل، شرکت‌های خصوصی موفق‌تری که در حال حاضر در حوزه‌های مختلف صنعتی و تجاری فعالیت دارند، با پتانسیل‌های خاصی که برای رشد و توسعه در اختیار دارند، می‌توانند با ورود به بورس نه تنها به منابع مالی جدید دست یابند، بلکه به تأمین مالی از طریق سرمایه‌گذاران پرداخته و مسیر رشدشان را هموارتر کنند.

حضور شرکت‌های خصوصی در بورس، ظرفیتی برای تأمین مالی پایدار فراهم می‌آورد. با اتکا به این بستر، این شرکت‌ها می‌توانند به جای وام‌های سنگین بانکی، سرمایه‌های جدیدی را به دست آورند و پروژه‌های خود را توسعه دهند. در

بورس اوراق بهادار، به‌عنوان یکی از ستون‌های اصلی اقتصادی جهان، نه فقط بستری برای دادوستد سهام بلکه منبعی برای تأمین مالی و رشد شرکت‌هاست. در ایران اما، صحنه دولتی سابق قرار گرفته؛ شرکت‌هایی که اغلب بهره‌وری لازم را از خود نشان نمی‌دهند و مردم را تنها در حد سهامداری بی‌تأثیر در مدیریت نگه داشته‌اند. این شرکت‌ها در قالب سهام ممتاز هم‌چنان تحت نظارت مدیران منصوب دولتی باقی مانده‌اند، که همین باعث شده بازار سهام برای سرمایه‌گذاران، چندان جذاب‌بای نداشته باشد.

در این میان، نقش شرکت‌های خصوصی که در عرصه‌های مختلف موفقیت‌های چشمگیری کسب کرده‌اند، همچنان کم‌رنگ است؛ حال آنکه بورس می‌تواند به سکوی برای رشد این شرکت‌ها تبدیل شود و فرصتی تازه به اقتصاد کشور ببخشد. ورود شرکت‌های کاملاً خصوصی به بازار سرمایه، نه تنها می‌تواند راه‌حلی برای

بر اساس گزارش نهادهای وابسته به سازمان ملل، شرکت‌های بیمه می‌توانند تا ۸۰ درصد از هزینه‌های سرمایه‌ای پروژه‌های بزرگ را تأمین کنند. این امر به‌ویژه در پروژه‌های عمرانی و زیرساختی نظیر ساخت جاده‌ها و پل‌ها بسیار مهم است.

در سال ۲۰۲۳، رشد بازار بیمه در جهان حدود ۵ درصد پیش‌بینی شده است، که نشان‌دهنده افزایش نیاز به محصولات بیمه‌ای و خدمات مالی مرتبط است.

هادی عباس آبادی

دور خیز صنعت بیمه ایران برای افزایش سهم در بازار مالی



بیمه در ایران، اتخاذ چند راهکار کلیدی ضروری است. ایجاد برنامه‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی درباره اهمیت بیمه و نقش آن در مدیریت ریسک، می‌تواند به افزایش تقاضا برای محصولات بیمه‌ای کمک کند. استفاده از رسانه‌ها و فضای مجازی برای ارتقاء آگاهی عمومی از جمله اقداماتی است که می‌تواند به نتایج مثبتی منجر شود.

بازنگری در قوانین و مقررات مرتبط با صنعت بیمه، به‌ویژه در زمینه سرمایه‌گذاری و تنوع محصولات، می‌تواند زمینه را برای جذب سرمایه‌گذاران جدید فراهم کند. ایجاد چارچوب‌های قانونی واضح و جذاب برای سرمایه‌گذاری شرکت‌های بیمه در پروژه‌های زیرساختی و توسعه‌ای ضروری است.



رقم به ۷ تا ۱۰ درصد می‌رسد. با ایجاد محیطی جذاب و امن برای سرمایه‌گذاری، شرکت‌های بیمه می‌توانند به جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی کمک کنند. این امر به تقویت زیرساخت‌های مالی و اقتصادی کشور منجر میشود.

با توجه به نیاز روزافزون به تأمین مالی پروژه‌های زیربنایی و زیرساختی، صنعت بیمه به یکی از ارکان کلیدی در توسعه پایدار کشور تبدیل می‌شود. همچنین تعامل و همکاری بین دولت و شرکت‌های بیمه در تأمین مالی پروژه‌های بزرگ، به بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی منجر خواهد شد.

خوبی بهره‌برداری نشده است. طبق گزارش‌ها، تنها حدود ۳ درصد از جمعیت ایران بیمه عمر دارند، در حالی که این رقم در کشورهای توسعه‌یافته به بیش از ۵۰ درصد می‌رسد. این کمبود آگاهی و فرهنگ بیمه‌ای، مانع از جذب سرمایه‌گذاران و مشتریان جدید می‌شود. قوانین و مقررات موجود

در صنعت بیمه ایران، مانع از رشد و توسعه این صنعت شده است. به‌عنوان مثال، محدودیت‌های سرمایه‌گذاری در پروژه‌های بزرگ و عدم تنوع در محصولات بیمه‌ای، باعث کاهش جذابیت این صنعت شده است. تحریم‌های اقتصادی و نوسانات بازار، شرکت‌های بیمه در ایران را با چالش‌های جدی مواجه کرده و این امر باعث شده است که این شرکت‌ها نتوانند به‌طور مؤثری در پروژه‌های بزرگ سرمایه‌گذاری کنند.

تنوع محصولات بیمه‌ای در ایران بسیار پایین است. در حالی که در کشورهای توسعه‌یافته، محصولات بیمه‌ای متنوعی مانند بیمه‌های خاص، بیمه‌های سرمایه‌گذاری و بیمه‌های سلامت ارائه می‌شود، در ایران بیشتر تمرکز بر بیمه‌های خودرو و عمر است.

برای بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های صنعت راهکارهای تقویت بیمه

برای بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های صنعت

برای بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های صنعت

برای بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های صنعت

در بازارهای سرمایه‌گذاری کردند که معادل ۲۰ درصد از کل سرمایه‌گذاری‌ها در زیرساخت‌ها است. بر اساس آمار فدراسیون بین‌المللی بیمه (GIFA)، صنعت بیمه در کشورهای توسعه‌یافته، به‌عنوان یک منبع پایدار تأمین مالی شناخته می‌شود. در ایالات متحده، شرکت‌های بیمه زندگی بیش از ۲۰ تریلیون دلار دارایی تحت مدیریت دارند که بخش عمده‌ای از آن در پروژه‌های زیرساختی و بازارهای مالی سرمایه‌گذاری می‌شود. همچنین، در سال ۲۰۲۱، ۳۲ درصد از دارایی‌های شرکت‌های بیمه در بازارهای سهام و ۲۴ درصد در اوراق قرضه سرمایه‌گذاری شده بود.

شرکت‌های بیمه در سطح جهانی، به‌طور متوسط ۳۰ تا ۴۰ درصد از دارایی‌های خود را در پروژه‌های زیرساختی و توسعه و اقتصاد سرمایه‌گذاری می‌کنند. به‌عنوان مثال، در سال ۲۰۲۱، شرکت‌های بیمه در اروپا بیش از ۲۰۰ میلیارد یورو در پروژه‌های زیرساختی سرمایه‌گذاری

صنعت بیمه به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی تأمین مالی در جهان، در ایران نیازمند توجه ویژه‌ای است. با ایجاد فرهنگ بیمه، بهبود قوانین و مقررات و افزایش تنوع محصولات بیمه‌ای، می‌توان از ظرفیت‌های این صنعت به‌خوبی بهره‌برداری کرد. در نهایت، صنعت بیمه می‌تواند به‌عنوان یک رکن کلیدی در توسعه اقتصادی و تأمین مالی پروژه‌های بزرگ در ایران مطرح شود.

صنعت بیمه در ایران با وجود چالش‌های فعلی، دارای پتانسیل‌های بسیار زیادی است. با اتخاذ راهکارهای مناسب و اجرای برنامه‌های بهبود، این صنعت می‌تواند به یک ابزار کلیدی در تأمین مالی پروژه‌های بزرگ و مدیریت ریسک تبدیل شود. در نهایت، تقویت صنعت بیمه نه‌تنها به نفع شرکت‌های بیمه، بلکه به نفع کل اقتصاد کشور خواهد بود.



قوانین و مقررات موجود در صنعت بیمه ایران، مانع از رشد و توسعه این صنعت شده است. به‌عنوان مثال، محدودیت‌های سرمایه‌گذاری در پروژه‌های بزرگ و عدم تنوع در محصولات بیمه‌ای، باعث کاهش جذابیت این صنعت شده است.

صنعت بیمه به‌عنوان یکی از ارکان اصلی نظام مالی در سطح جهانی با حجم بازار بیش از ۶ تریلیون دلار، نقش حیاتی در تأمین مالی پروژه‌های بزرگ و مدیریت ریسک ایفا می‌کند. در سال ۲۰۲۲، شرکت‌های بیمه به‌تازگی بیش از ۹۰۰ میلیارد دلار



خوش کیش، مدیرعامل بیمه اتکایی امین:

به یک اتکایی ملی قوی نیاز داریم

موضوع تمرکز ریسک‌ها در کشور همچنان ما را تهدید می‌کند.

به یک اتکایی ملی قوی نیاز داریم

محمدرضا خوش کیش در ادامه به شرایط یک شرکت بیمه قوی به عنوان بیمه اتکایی در کشور و با یک شرکت اتکایی ملی اشاره می‌کند و می‌گوید: «نقش مهم شرکت‌های بیمه اتکایی در جهان اکچوئری و نرخ‌های فنی است که ما از آن‌ها فاصله گرفته‌ایم. یک شرکت بیمه اتکایی قوی باید توان نرخ‌گذاری در تمام پهنای کشور در ریسک‌های مختلف داشته باشد. یک شرکت بیمه اتکایی قوی باید سرمایه بسیار بالایی داشته باشد تا هم بتواند در صنعت بیمه کشور پشتیبانی قوی باشد و سرمایه‌اش کفاف دهد و هم در جهان نسبت به شرکت‌های بزرگ بتواند حرفی برای گفتن داشته باشد و ریسک‌های بزرگ را بپذیرد. به این معنی که یک شرکت بیمه اتکایی قوی، یک صادرکننده بزرگ فنی است. شما با صدور بیمه‌نامه‌ها و جذب دلاری بین‌المللی می‌توانید صادرکننده مهم فنی باشید بدون هیچ‌گونه تبادل کالایی.»

او همچنین نیروی فنی کارآمد را یکی از شرایط مهم برای یک شرکت بیمه اتکایی قوی می‌داند و می‌گوید: «مبحث نیروی فنی قوی بسیار اهمیت دارد. ما در کشور نیروی فنی بسیار خوبی داریم و در این ده سال تحریم‌ها تجربیات خیلی مفیدی را در اختیار صنعت بیمه کشور قرار داده‌اند. شورای عالی بیمه نیز طبیعتاً تلاش کرده است تا با الزامی که به برنامه بیمه مرکزی داده است، بتواند بیمه اتکایی ملی را با پر کردن این خلأ و ساختن ظرفیت‌هایی برای صنعت بیمه کشور در جهت کاهش نقش تصدی‌گری دولت و کاهش ریسکی که امروز عمدتاً متوجه بیمه مرکزی است، به وجود آورد.»

بزرگ و انتقال آن‌ها به کشورهای دیگر یا محدود شود و یا به طور کل از بین برود. بنابراین، تمام ریسک‌ها در کشور متمرکز می‌شوند و این تمرکز ریسک‌ها بسیار خطرناک و مخرب است. اگر یک ریسک بزرگ و یک اتفاق بزرگ مانند زلزله تهران اتفاق بیفتد، صنعت بیمه کشور این ظرفیت را ندارد که بتواند هزینه‌ها یا حتی بیمه‌نامه‌های صادرشده را پوشش دهد.»

به گفته او اتفاق دیگری که در این چند سال بعد از تحریم‌ها افتاد، فاصله گرفتن نرخ‌های فنی که در جهان برای ریسک‌های بزرگ وجود دارد، با نرخ‌های داخلی است که بار این مسئله و مسئولیت پر کردن این فاصله بر گردن بیمه مرکزی و صندوق حمایت از شرکت‌های بیمه در بیمه اتکایی افتاده است. این فاصله باعث افزایش رویکرد نرخ‌شکنی در بازار شده است به طوری که حتی اگر روزگاری تحریم‌ها برطرف شود، صنعت بیمه با نرخ‌های غیرفنی رو به رو خواهد بود که برای جامعه جهانی قابل پذیرش نیست.

همه فرصت‌های محرومیت‌های بین‌المللی

البته محمدرضا خوش کیش به روال همیشه تحریم‌های بین‌المللی را صرفاً دارای اثرات منفی نمی‌بیند. به عقیده او تحریم علاوه بر این که باعث بالاترین ظرفیت نگهداری ریسک در کشور شده است اما از سوی دیگر برای صنعت بیمه نیز مزایایی داشته است. او در این باره توضیح می‌دهد: «تحریم‌ها مزایایی هم برای کشور داشته‌اند؛ صنعت بیمه کشور در دهه نود و زمانی که تحریم‌ها شکل گرفت مجبور شد که بیمه‌هایی را که در گذشته به صورت بین‌المللی از آن‌ها استفاده می‌کرد، خودش طراحی و بهره‌برداری کند. در واقع این یک مزیت است که ما امروز می‌توانیم بیمه‌های مربوط به کشتی‌ها را خودمان طراحی کنیم. اما باید توجه کنیم که

مدیرعامل بیمه اتکایی امین گفت: «در این صورت حتماً ضریب نفوذ ما بالاتر از ۳ خواهد بود. دولت باید الزام داشته باشد دوره‌های ویژه‌ای برای توسعه فرهنگ بیمه در کشور برگزار کند که آموزش نماینده‌های بیمه است.»

وی با بیان این‌که در جهان اول، بیمه‌های عمر بیش از ۵۰ درصد تولید می‌شوند ولی در ایران کمتر از ۱۵ درصد است، یادآور شد: «بیمه‌های عمر درآمد پایدار، سرمایه‌گذاری و اشتغال ایجاد می‌کنند». خوش کیش مهم‌ترین مسائل بیمه‌ها را آموزش، ضریب نفوذ بیمه، درآمدهای دولت و مالیات صفر بیان کرد و گفت: «باید تاکید شود که نماینده بیمه در تامین اجتماعی تاجر باشد، از سوی دیگر حق بیمه و مالیات بر ارزش افزوده مرتبط با آن را نیز شهرداری‌ها ذی نفع هستند ولی اکثر نماینده‌ها درگیر عوارض شهرداری هستند.»

محمدرضا خوش کیش، مدیرعامل شرکت بیمه اتکایی امین معتقد است اعمال تحریم‌های بین‌المللی در سال‌های اخیر بیشترین تاثیر خود در صنعت بیمه را در حوزه بیمه‌های اتکایی به جا گذاشته‌اند. مدیرعامل بیمه اتکایی امین در بیان شرایط امروز بیمه اتکایی در کشور و تاثیر تحریم‌های اقتصادی از حجم بالای نگهداری ریسک در کشور می‌گوید و آن را یکی از مهم‌ترین معضلات امروز صنعت بیمه کشور تلقی می‌کند.

او در این باره توضیح می‌دهد: «یکی از وظایف ذاتی صنعت بیمه در سراسر جهان این است که ریسک‌ها بین کشورهای مختلف تقسیم شود؛ به این معنی که ریسک‌های بزرگ در یک کشور متمرکز نشود. در واقع، کشورهای مختلف ریسک‌های مختلف را از کشورهای دیگر می‌گیرند و ما هم باید همین کار را انجام دهیم. تحریم‌ها باعث شده‌اند که ظرفیت نگهداری ریسک‌های

ولی می‌بایست در خصوص عوارض و مالیات برای بیمه‌ها که مصوبه‌ای داشته است، نگاه جدی داشت.»

وی با بیان این‌که ضریب رشد حق بیمه در کشور سالیانه ۶۲ درصد است، افزود: «بر اساس آمارهای واقعی، ضریب نفوذ بیمه تابعی از تعداد نماینده‌ها است». عضو شورای عالی بیمه یادآور شد: «قوانین ما امروز دست نماینده را نمی‌گیرد بلکه پای او را می‌گیرد به‌عنوان مثال بر اساس تفسیر تامین اجتماعی، نماینده بیمه پیمانکار تعریف می‌شود و برای او عوارض مرتبط با پیمانکار تعیین می‌کنند». وی اضافه کرد: «نماینده، مالیات بر ارزش افزوده را برای حق بیمه تولید می‌کند که سال گذشته ۳۰۰ میلیارد درآمد تولید شده و امسال پیش‌بینی بود که با توجه به ۶۲ درصد در چهار ماه، این رقم به بالای ۴۰۰ میلیارد تومان برسد؛ یعنی اگر ۱۰ درصد را ارزش افزوده حساب کنیم، نماینده‌های بیمه ۴۰ همت درآمد برای کشور تولید می‌کنند.»

خوش کیش تاکید کرد: «هرچه تعداد این نماینده‌ها بیشتر باشد درآمد دولت نیز افزایش می‌یابد اما مالیات، دارایی و کمیسیون‌های مختلف گرفتاری‌های زیادی را برای نماینده‌های بیمه ایجاد می‌کنند.»

وی افزود: «باید بر این تاکید شود که نماینده مخصوصاً در بخش حقیقی یک تاجر است و برای اشتغال پایدار، مالیات ضریب صفر و توسعه فرهنگ‌سازی بیمه غیرممکن است مگر اینکه در سرفصل بودجه برنامه هفتم توسعه منابع انسانی، برای هر استان آموزش نیروی انسانی در حوزه فروش بیمه تعریف شود تا این بودجه تعداد نماینده‌های کشور را در طول دو سال به دو برابر برساند.»



نماینده‌های بیمه می‌توانند سالانه ۴۰ همت درآمد از طریق مالیات بر ارزش افزوده تولید کنند.

مدیرعامل بیمه اتکایی امین و عضو شورای عالی بیمه، تعداد نماینده‌های بیمه در هر استان را از فاکتورهای مهم در افزایش ضریب نفوذ بیمه بیان کرد و گفت: «بر اساس آمار، ضریب نفوذ بیمه تابعی از تعداد نماینده‌ها است اما قوانین ما دست نماینده را نمی‌گیرد بلکه پای او را می‌گیرد.»

محمدرضا خوش کیش همچنین با بیان این‌که نماینده‌های بیمه می‌توانند سالانه ۴۰ همت درآمد برای کشور تولید کنند، افزود: «هرچه تعداد این نماینده‌ها بیشتر باشد درآمد دولت نیز افزایش می‌یابد اما مالیات، دارایی و کمیسیون‌های مختلف، زحمتی برای نماینده‌های بیمه ایجاد می‌کنند که امیدوارم در دولت جدید این مهم نیز حل گردد». وی خاطر نشان کرد: «یکی از فاکتورهای بسیار مهم در این حوزه، نماینده‌های بیمه هستند که سنجر

ما به جهانی شدن باور داریم

چشم انداز

یکی از بزرگترین شرکت‌های فولادی کشور و تکمیل کننده زنجیره فولاد در منطقه گل گهر با تولید ۳/۷ میلیون تن آهن اسفنجی و ۲/۵ میلیون تن شمش فولادی و ۱/۳ میلیون تن محصولات آلایزی و نوردی.

ماموریت

تولید انواع محصولات فولادی با استفاده از تکنولوژی‌های نوین، سرمایه انسانی توانمند و با رعایت الزامات زیست محیطی در جهت خلق ارزش افزوده برای ذی نفعان، توسعه اقتصادی و صنعتی کشور، کمک به توسعه زیرساخت‌های پایدار و ایمن جامعه.

گهر زمین

مرکز نقل توسعه و اشتغالزایی در کشور

Gohar Zamin, the jewel of Iran

گهر زمین
گهر ایران زمین